

## تشریح فا هنگام جشن فانوس سال ۲۰۰۳ در کنفرانس فای غرب ایالات متحده

(لی هنگجی، بعدازظهر ۱۵ فوریه ۲۰۰۳، در لس آنجلس)

(بخش ۲ از ۲)

پرسش: همسر من به خاطر اعتباربخشی به فا آزادی‌اش را از دست داده است. چون بچه‌ی کوچکی دارم که فقط چند سالش است در اعتباربخشی به فا مانند همسر من عمل نخواهم کرد، و در عوض، مشغول کارهایی بوده‌ام که برایم امن‌ترند. آیا این کار درست است؟ همچنین مایلم درود مریدان دافای ژنگ‌ژو را به استاد برسانم.

**معلم:** متشکرم. اگر به نظر شما مرید دافا کارتان درست است، انجامش دهید. افراد در روند تزکیه درک‌های مختلفی دارند و در وضعیت‌های مختلفی‌اند. این‌ها مسئله‌ای نیست. سطحی که در تزکیه‌تان می‌توانید موضوعات را درک کنید، و حدی که می‌توانید امور را انجام دهید، هر دوی‌شان تجلی قلمروی تزکیه‌تان هستند. به عبارتی، اگر بتوانید فوق‌العاده خوب عمل کنید البته بهتر است، ولی نمی‌شود این را اجبار کرد. من الزام دیگری برایتان ندارم. هیچ موقع نگفته‌ام که باید این قدر و این قدر خوب عمل کنید. همیشه خود شما امور را اداره کرده‌اید. درک‌تان بر اساس حقایق فا به هر ارتفاعی برسد، همان حد می‌توانید امور را انجام دهید. هر کاری که انجام داده‌اید برای خودتان انجام شده است، و ابدأً برای من نیست. (معلم می‌خندد) بگذارید این‌طور بگویم: استاد است که به شما کمک می‌کند، هیچ‌وقت شما کمک استاد نمی‌کنید. (تشویق) وقتی در آینده وضعیت واقعی را دیدید [با حیرت] می‌گویید، "پس این‌طور بود!"

پرسش: امروز جشن فانوس است. از استاد گرانقدرمان برای آموزش فا و نجات ما، و برای اینکه جشن فانوس را با ما سر کردند تشکر می‌کنیم. این شاگردان نمی‌خواهند استاد بروند. (تشویق)

**معلم:** اوه، راستش یاد این نبودم. وقتی به جشن‌ها و تعطیلی‌ها می‌رسد، اگر به من نگوید یاد می‌رود، من این‌طورم. امروز جشن فانوس است، پس آیا این‌جا جمعی بزرگ دوباره دور هم جمع نشده است؟ (تشویق طولانی)

پرسش: وقتی مطالب روشن‌گری حقیقت به سرزمین چین می‌فرستیم، آیا می‌توانیم شعرها و مقاله‌هایتان و کتاب‌های دافا را نیز برایشان بفرستیم؟

**معلم:** مسئله‌ای نیست، هیچ مسئله‌ای نیست. می‌توانید آنها را برای مردم عادی بفرستید. مسئله‌ای ندارد، به شرطی که آن فرد بخواهد آنها را بخواند. شکنجه و آزار الان مدتی طولانی است که ادامه پیدا کرده، و خیلی‌ها واقعاً می‌خواهند حقیقت را درباره‌ی فالون گونگ بدانند ولی نمی‌توانند کتاب‌ها را پیدا کنند. وقتی آن زمان، نیروهای کهن شیطان را واداشتند که کتاب‌ها را بسوزانند می‌دانید بهانه‌شان چه بود؟ چرا کتاب‌ها را سوزاندند؟ آن موقع این قدر کپی‌های زیادی از جوآن فالون در سرزمین چین بود که دیگر همه‌جا بودند. اما خیلی از شاگردان متوجه نشدند که باید حرمت کتاب را نگه دارند، و مردم عادی از این هم کمتر برایش احترام قائل می‌شدند. خدایان تحمل این را نداشتند، چون که آن "قانون آسمان" است، قانونی که کیهان را خلق کرد! بنابراین نیروهای کهن خواستند که کتاب‌ها به شدت کمیاب شوند، و مردم را وادار کردند که دنبال فا بگردند، به آن احترام بگذارند، و از آن به بعد درک کنند که این فا چقدر باارزش است. آن زمان برای این کار بهانه‌شان این بود.

پرسش: ظاهراً بعضی هم‌تمرین‌کنندگان در منطقه‌ی ما هنوز اصلاح- فا را درک نمی‌کنند. درک‌شان در زمینه‌های دیگر هم آن‌چنان خوب نیست. چگونه می‌توانم به آنها کمک کنم رشد کنند؟

**معلم:** هیچ چیز را نمی‌شود زور کرد. اینکه کسی بخواهد تزکیه کند یا نخواهد، کلاً با خودش است. فقط می‌توانیم به او نصیحت کنیم که کاری که خوب است را انجام دهد، و فقط می‌توانیم تمام سعی‌مان را کنیم که به آنها یادآوری کنیم، بعضی موضوعات را به آنها بگوییم، و اصول را واضح برایشان توضیح دهیم. زور و اجبار کارساز نیست. وقتی نکاتی را که باید می‌گفتید گفتید، ممکن است حل شود، و ممکن هم هست که آن فرد وابستگی‌هایی داشته باشد.

پرسش: در کار دافایمان، بعضی‌هایی که مقام مسئولیتی دارند حقیقت را نمی‌گویند و برای اینکه امور خوب پیش برود کارها را به روش‌های بشری انجام می‌دهند. آیا علتش این است که فا را خوب مطالعه نکرده‌اند، علایق خودخواهانه‌ای دارند، یا اینکه قصد و غرض‌هایی در سر دارند؟

**معلم:** قصد و غرض؟ نمی‌توانید این‌طور بگویید. بین آنهایی که اینجا نشسته‌اند، یکی دو نفر هستند که کمی غیرعادی‌اند، اما می‌خواهم به شما بگویم، استاد باز هم نمی‌خواهد از شما دست بکشد، و باید ببینم که آیا می‌توانید موفق شوید. (تشویق) اگر بتوانید، از شما مراقبت می‌کنم. به شما بستگی دارد. در مورد سایرین، اگر در حال گفتن این هستید که لابلای کسانی که اینجانب کسی می‌خواهد به فا صدمه بزند یا کسی می‌خواهد کارهای دیگری انجام دهد، غیرممکن است. کسانی که مقام مسئولیتی دارند نیز تزکیه‌کننده هستند، و آنها نیز مسلماً افکار بشری‌شان را نشان می‌دهند. می‌گویم نباید از آنها انتظار بیش از حد داشته باشید. ولی آنها کسانی‌اند که مسئولیت دارند، و کارهایی که می‌کنند تأثیر خاصی همراه خود دارد. پس وقتی مسائلی می‌بینید باید به آنها اشاره کنید. اگر گوش نکنند، آن وقت می‌توانید آن را به انجمن دافا اطلاع دهید.

پرسش: من مرید شمایم، اما قرض و بدهی اسباب ناراحتی‌ام شده است. آیا می‌توانم از راه شکل اصلاح- فا آنها را تسویه کنم؟

**معلم:** استفاده از دافا برای امور شخصی‌تان... به‌گمانم چنین فکری درست نیست. به عنوان مرید دافا، وقتی واقعاً بتوانید خوب عمل کنید، فکر می‌کنم گرفتاری‌هایتان به آن مطلقاً که به نظر‌تان می‌رسد نباشند. چون وقتی نگاه‌تان به امور نمی‌تواند از فا باشد گرفتاری‌های مردم عادی را صرفاً گرفتاری‌های مردم عادی می‌بینید. به چشم انسان‌ها امور بی‌تغییرند، ولی به چشم خدایان تمام اینها تغییر می‌کنند. شما ناراحتی دارید، و استاد هم ناراحت شماست - ناراحتی که وابستگی‌هایتان را رها نکرده‌اید و به درک سطح بالایی از فا نرسیده‌اید، و اینکه وقتی یک مشکل را حل می‌کنید مشکلات جدید درست می‌کنید. (آه) این سرزنش نیست! همه‌ی حرف‌های استاد فا است.

پرسش: این موضوع همیشه ذهنم را مشغول کرده، شاید نباید برای تحقیق روی ابزاری برای درهم‌شکستن مسدودسازی اینترنت منابع انسانی و مادی خیلی زیادی را به‌کار ببریم؟ شاید باید کارهایی انجام دهیم که زمان کمی ببرند و بسیار کارآمد باشند؟

**معلم:** درک‌های مختلفی در این باره هست. فقط می‌توانم بگویم که درک‌های مختلفی هست. کارهایی که بسیار کارآمد باشند البته که باید انجام شوند، بحثی در این مورد نیست. اما در مورد درهم‌شکستن مسدودسازی اینترنت، فکر کنید، شیطان در حال شکنجه‌ی ما و پخش دروغ‌های بزرگ است - چطور می‌توانیم آنها را بر ملا نکنیم؟ باید بگذاریم مردم دنیا سرشت بد آنها را ببینند، اعمال پلید را ببینند، و حقیقت را ببینند! پس باید آن را درهم‌شکنیم. در بین مریدان دافا تعداد خیلی زیادی دانشمند تراز اول وجود دارد. توان در هم شکستنش را داریم. آنها هرگز نتوانسته‌اند وب‌سایت مینگ‌هوئی را مسدود کنند! (تشویق گرم) اما این حرف نیز درست است که نباید بیش از حد از منابع انسانی‌مان استفاده کنیم. با این حال، افراد خیلی زیادی هم نیستند که درگیرند، مگر نه؟

پرسش: وقتی فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند هیچ مسدودسازی‌ای نخواهد بود. آیا همه‌ی این امر باید از طریق روش‌های مریدان در دنیای بشری صورت بگیرد؟

**معلم:** وقتی این مسدودسازی را می‌شکنیم درحال نفی نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن هستیم. ما این شکنجه و آزار و یا این مسدودسازی را قبول نخواهیم کرد. زمانی که فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند، و خدایان و بودایان به‌طور باشکوهی به نمایش درمی‌آیند، مردم هیچ راهی جز حرف‌شنوی ندارند! وضعیت چیز دیگری خواهد بود.

پرسش: آیا مریدان زودتر باخبر خواهند شد که فا چه لحظه‌ای دنیای بشری را اصلاح می‌کند؟ (حضر می‌خندند)

**معلم:** حدی که تزکیه کرده‌اید با هم فرق می‌کند، و وضعیت تزکیه‌تان یکی نیست. بعضی شاگردان می‌توانند زودتر بفهمند، و بعضی شاگردان نمی‌توانند. بفهمید یا نفهمید اهمیت ندارد، و تأثیری روی پیشرفت کمال شما یا سطح‌تان نمی‌گذارد. به هیچ وجه. چرا این همه درباره‌اش فکر کرد؟ اصلاح دنیای بشری توسط فا، ساده بگوییم، واقعاً زیاد ارتباطی به شما ندارد. شما مریدان دافای دوره‌ی اصلاح-فا هستید! (تشویق)

پرسش: درحال حاضر بعضی شاگردان نشانه‌های بیماری دارند، آن هم از نوع جدی. به زحمت می‌توانند کتاب را بخوانند، تمرین کنند، یا افکار درست بفرستند.

**معلم:** می‌گویم که این‌ها مشکلات واقعی هستند. بعضی شاگردان وابستگی‌هایشان را نشان می‌دهند، ولی بعضی شاگردان نشان نمی‌دهند، آنها را پیش خودشان نگه می‌دارند و فوق‌العاده وابسته‌اند، و دست‌آخر خودشان نمی‌توانند آنها را رها کنند. شیطان شما را مرتب غیرطبیعی‌تر می‌کند، و کاری می‌کند که افتادن سختی کنید - این قدر سخت که تا عمر دارید از یادتان نرود. این‌طور انجامش می‌دهند، پس زیادی وابسته نشوید. بعد که مشکل پیش می‌آید از استاد می‌پرسید باید چه کار کنید، اما در اصل وابستگی‌هایتان باعث آن شده است. استاد در موردش کاری خواهد کرد.

بعضی‌ها هم هستند که چیزهای دروغین می‌شنوند. فقط می‌توانم اسمش را شنیدن دروغین بگذارم. در اصل واقعاً چیزی شنیدید، اما چیزی که شنیدید استاد نبود - آنها صدای استاد را جعل می‌کنند! و حتی تصویرم را نیز جعل می‌کنند، و از وابستگی‌هایتان استفاده می‌کنند که فریب‌تان بدهند. شما که مرید دافاییید باید موضوعات را از فا متوجه شوید. شما مریدان دافایی هستید که درستی و ابهت دارید. باید با عقل و منطق فکر کنید که آیا چیزی با فا هم‌خوانی دارد یا نه. و بعد بعضی شاگردان هستند که همیشه شیفته‌ی توانایی‌های فوق‌عادی‌اند. اجازه دادم بعضی شاگردان بعضی وضعیت‌های اصلاح-فا را در بعدهای مختلف ببینند، به این قصد که اعتمادبه‌نفس شاگردان در اعتباربخشی به فا را افزایش دهم، اما بعضی شاگردان هنوز نمی‌توانند این موضوع را درست اداره کنند، بر پایه‌ی فا تزکیه نمی‌کنند، و وقتی اتفاقی می‌افتد حتی می‌روند از یک شاگردی که توانایی‌های فوق‌عادی دارد می‌خواهند که برایشان نگاهی به مسائل بیندازد، و آن وقت آن دیده‌ها را راهنمای انجام کارهای مرتبط به دافا و تزکیه می‌گیرند. این کار بسیار خطرناک است. چه کسی ممکن است بتواند جوهر اصلاح-فا را ببیند؟ و چه کسی امکانش هست که بتواند وضعیت کسانی که در دافا تزکیه می‌کنند را توضیح دهد؟ تجلی‌های سطوح بی‌نهایت پایین، وضعیت نهایی و واقعی نیستند. اگر بر پایه‌ی فا تزکیه نکنید، اگر طبق فا عمل نکنید، آن وقت آیا هنوز مرید دافاییید؟ هر وقت اتفاقی می‌افتد می‌روید از آن فرد می‌خواهید که ببیند قضیه چیست، اما او چه می‌بیند؟ چه کسی امکانش هست بتواند وضعیت نهایی شما را ببیند؟ فرزند خودتان هم نمی‌تواند آن را ببیند. قبل از این گفته‌ام که حتی بین خودتان، بین مریدان دافا، اجازه‌ی دیدنش را ندارید. اگر وضعیت واقعی تزکیه‌تان را می‌شد دید، آن وقت چه چیزی برای تزکیه کردن شما وجود داشت؟ اگر به شما گفته می‌شد همه چیز حل بود، نمی‌شود آن را دید! دلیلش این است که در سطوح مختلف تجلی‌های مختلفی هست، و برای موجودات یک سطح خاص، تجلی آن سطح، حقیقت است، بنابراین در هر سطح، در یک یک سطح‌ها، حقیقت وجود دارد. اما آنها تجلی‌های مختلف یک چیز در سطوح مختلف‌اند، درحالی که تجلی بنیادی‌ترین چیز در بالاست، و وقتی به آن آخر می‌رسد، فقط آن موقع پایانی‌ترین چیز بنیادی یافت می‌شود. پس، از کدام سطح ممکن است بتوانید وضعیت نهایی و واقعی یک مرید دافا،

وضعیت واقعی اصلاح- فاه، یا وضعیت واقعی استاد را ببینید؟ اگر امروز می‌توانستید وضعیت واقعی نهایی مریدان دافا و استاد را ببینید، و حقیقت دافا را، آن وقت شما امروز لرد این کیهان بی‌حد هستید! آیا همه‌ی این‌ها را می‌بینید؟ آیا همه‌چیز پیش چشم شماست؟ چطور می‌توانید این قدر نادان باشید؟! تا حالا بارها در فاه دربارهی این صحبت کرده‌ام. چرا این‌طور است که حتماً حتماً باید با شما مداخله شود؟ ( معلم می‌خندد )

پرسش: اگر مریدان از شغل‌شان استفاده کنند که به مردم در مورد حقایق فای جن- شن- رن کیهان بگویند، و آنها را با ظرافت به دست مردم بیشتری در دنیا برسانند...

**معلم:** فکر نکنم این کار اشکالی داشته باشد. می‌توانید انجامش دهید.

پرسش: یک نفر دیگر نمی‌تواند مثل قبل مستقیماً برای دافا وقت بگذارد. ممکن است لطفاً به من بگویید که آیا هنوز تعریف مرید دافای دوره‌ی اصلاح- فاه در مورد او صلیق می‌کند؟

**معلم:** آیا از هر نظر کارهایی که مرید دافا باید انجام بدهد را خوب انجام داده‌اید؟ اگر این‌طور است که کارتان درست بوده. ( معلم می‌خندد ) نگران نباشید، و این شامل بعضی‌هایی که زمین خورده‌اند هم می‌شود. فقط زود باشید بلند شوید.

پرسش: به عنوان دانشجوی مقطع دکترا، خوب انجام دادن تحقیق علمی‌ام لازمه‌اش این است که کاملاً خودم را وقف آن کنم، اما همین‌طور باید فاه را هم مطالعه کنم، واقعیت‌ها را روشن کنم، و تمرین کنم. همیشه حس می‌کنم که وقت کافی ندارم.

**معلم:** هنوز افرادی هستند که این را می‌پرسند. استاد بارها جواب آن را به شما گفته است. فکر می‌کنم که شما تزیکیه‌کننده باید دافا را مقدم بدانید، اما همین‌طور کارتان را هم باید خوب انجام دهید. باید بهترین سعی‌تان را بکنید که امور را خوب انجام دهید. در مورد اینکه چطور این توازن را برقرار کرد، وقتی به موضوعات خاص می‌رسد خودتان هنوز باید اولویت امور را مشخص کنید. اگر بگویید، "بیش از حد سرم شلوغ است، پس مطالعه نمی‌کنم"، آن وقت معادل این است که تزیکیه نمی‌کنید. بگویید، "خودم را کاملاً وقف شغلم می‌کنم" و آن وقت فقط یک فرد عادی هستید. آیا ممکن است مسئله فقط این باشد که بین این موضوعات خوب تعادل برقرار نمی‌کنید؟ پس صرفاً امور را خوب اولویت‌بندی کنید و برای‌شان برنامه بریزید. واقعاً ساده است. در واقع، قبل از این در جوان‌فالون در این باره صحبت کرده‌ام. خوب مطالعه کردن فاه در تزیکیه‌تان مسلماً روی هیچ چیز شما تأثیر منفی نمی‌گذارد، و برعکس، کمک‌تان می‌کند با نصف همان تلاش، در سر کار یا امور درسی‌تان دوبرابر نتیجه بگیرید. در مورد علم، علم دیگر به این مرحله رسیده است. بشر بدون آن نمی‌تواند کاری از پیش ببرد، و جامعه هنوز بهترین سعی‌اش را می‌کند که آن را جلوتر ببرد. اما در اجتماع آینده‌ای که مردم دارند وجود نخواهد داشت. در آینده هیچ علمی نخواهد بود. ولی باز علم محصولی از کیهان است، و برای همین است که هیچ‌موقع آن را رد نکرده‌ام. فقط گفته‌ام که با بشر هم‌خوانی ندارد و نمی‌شود آن را به بشر داد، مخصوصاً در آینده، که مردم مسیر خدا شدن را پیش می‌گیرند، که محرزتر می‌کند که این علم را نمی‌شود به بشر داد. علم در اصل به خدایان بی‌حرمی می‌کند، و در نقش منحرف کردن ماده عمل می‌کند و محیط زیست را نابود می‌کند. نه تنها موجب انحراف ماده می‌شود، بلکه باعث می‌شود که پنداشت‌های انسان‌ها هم منحرف شود، و باعث می‌شود که خیلی از عناصر ماده در روی زمین منحرف شوند، و تا اندازه‌ای به کیهان صدمه می‌زند. پس در آینده، اینجا در این مکان انسان‌ها وجود نخواهد داشت. الان همین‌طور است که هست، چون قبل از اینکه اصلاح دنیای بشری توسط فاه به اینجا برسد، بشر هر قدر پرهیز و مرج شود کاری به آن نداریم. اگر شما کار علمی انجام ندهید، باعث نمی‌شود که علم به واسطه‌ی کار نکردن شما، خوب شود. اگر انجامش دهید ایرادی ندارد، و این کار شما بد تلقی نمی‌شود، چون در مجموع امور این‌طورند. پس ارتباطش به این شکل است.

پرسش: من مرید شما هستم، و با خیلی از کارهای دافا مشغولم. به‌ندرت تمرین می‌کنم، و همیشه نیز نمی‌توانم تضمین کنم که فاه را مطالعه می‌کنم. این موضوع مرا غمگین می‌کند.

**معلم:** به گمانم باز هم باید برای مطالعه‌ی فا وقت کنار بگذارید، مگر اینکه درحال ترجمه‌ی دافا باشید، (حضار می‌خندند) که در این صورت نیز به‌نظم باید درحال مطالعه باشید. در غیر این صورت باز لازم است که فا را مطالعه کنید.

**پرسش:** من فکر می‌کنم که اصلاح دنیای بشری توسط فا دیگر آرام و بی‌صدا درحال نزدیک شدن است، و اینکه علم پیشرفته این چند وقت منجر به رکود اقتصادی شده است. آیا این پیش‌درآمد یک وضعیت جدید اقتصادی است؟ آیا اگر مریدان دافا شرکت‌های جدیدی باز کنند آینده‌ی خوبی خواهد داشت؟ (حضار می‌خندند)

**معلم:** این‌طور که تصور می‌کنید نیست! اصلاح دنیای بشری توسط فا کاری با علم ندارد. در تجلی آنها نیز هیچ تعارضی بین‌شان نخواهد بود، ولی باعث تسریع رشد علم هم نخواهد شد. درخصوص باز کردن شرکت‌های جدید، اینها مسائل شما هستند و اگر توانش را دارید انجامش دهید.

**پرسش:** چیزی که به آن روشن شده‌ام این است که من مشکل مورد مداخله قرار گرفتن ندارم، بلکه فقط مشکلم خوب عمل نکردن خودم است. آیا این درک درست است؟

**معلم:** این‌طور فکر کردن ایرادی ندارد. خیلی خوب است که هیچ مداخله‌ای ندارید. اینکه بتوانید متوجه شوید کجا خوب عمل نکرده‌اید و متوجه نواقص‌تان شوید تزکیه است.

**پرسش:** استاد، مضمون فایی که صبح امروز آموزش دادید خیلی متأثرکننده بود. به عنوان یک مرید، برایم سؤال است که آیا این چیزی است که پیش از این اتفاق افتاده است یا چیزی است که احتمال دارد بعداً اتفاق بیفتد؟

**معلم:** نشانه‌هایی دیده بودم که واقعاً بد هستند، و بعضی مریدان تباه می‌شوند. این قدر جدی است، برای همین در موردش صحبت کردم. می‌توانید بگویید که در آینده اتفاق می‌افتد، ولی جرقه‌ی شروعش زده شده است. راجع به این بود.

**پرسش:** من مرید شما هستم، و به این روشن شده‌ام: استاد تجلی فا در دنیای انسان‌هاست، پس استاد فا است، و این بخشی از مفهوم "فا را معلم در نظر گرفتن" است.

**معلم:** بگذارید به زبان ساده آشکارش کنم: فا توسط من خلق شد. (تشویق پرسشور) در افلاک عظیم، تا وقتی چیزی در کیهان هستید - پس این شامل همه چیز می‌شود - فرق نمی‌کند شکل داشته باشید یا نداشته باشید، خواه خالی بودن باشد، [چیزی] نبودن، یا هر چیز دیگر، تا وقتی شما چیزی هستید شما را فا خلق کرده است، و شما در این محیط زندگی‌ای هستید که فا خلق کرده است. فا استانداردهایی برای موجودات دارد. فا تمام موجودات را خلق کرد، و فا در تازه‌سازی‌اش نیز همه‌ی موجودات را جذب می‌کند و همه‌ی موجودات را نجات می‌دهد. از آنجا که مریدان دافا درحال مطالعه‌ی فا هستند فعالانه درحال جذب شدن در فا هستند. دیگر هیچ چیز در بدن کیهانی به اندازه‌ی کافی خوب نیست. علتی که در این زمان هنوز نگه داشته شده این است که تمام موجودات در کیهان را جذب کند و اجازه دهد تمام موجودات نجات پیدا کنند. وگرنه مدت‌ها قبل از میان رفته بود. افلاک عظیم از نو ساخته شده بودند، و فا تمام سطوح و تمام موجودات را از نو خلق کرده بود. به هر حال من این‌طور انجامش ندادم. گذاشتم تمام موجودات در بدن کیهانی درباره‌ی فا بدانند و با افکار درست جذب فا شوند. این بهترین راه حل نیک‌خواهانه است، و روش انتخاب‌شده نیک‌خواهی با تمام موجودات را نشان می‌دهد. تمام موجودات پیش از تاریخ را فا خلق کرد، و هیچ کسی استثنا نیست، همه را شامل می‌شود. اگر کسی از این بگوید که جوآن فالون در فلان سطح است حرف اهریمن‌ها را می‌زند. در افلاک عظیم بی‌اندازه و بی‌شمار، در بعدهای بی‌اندازه و بی‌شمار بدن کیهانی، موجوداتی بی‌اندازه و بی‌شمار در هر بعد وجود دارد! تمام آنها را فا خلق کرد. هیچ موجودی نمی‌تواند درباره‌ی فا نظر بدهد (تشویق)، و با این وجود همه چیز فا در این کتاب جوآن فالون متجلی شده است! این قدر این فا عظیم است.

پرسش: صبح استاد بیان کردند که درحال حاضر نیروهای کهن تلاش می‌کنند با به‌کار بردن ماده‌ی خاصی برای ساختن تصاویر دروغین از استاد، ایمان درست و افکار درست مریدان دافا به‌فا را سست کنند. ممکن است لطفاً به ما بگویید که چگونه می‌توانیم آنها را تشخیص دهیم؟

**معلم:** نیازی نیست سعی کنید تشخیص‌شان دهید. چیزی که شاگردان فعلاً می‌توانند ببینند یا بدانند توسط سطح‌شان محدود شده است. نیروهای کهن خدا هستند، و درحال حاضر برای شما مثل این است که می‌توانند به شکل‌های بی‌شماری دربیایند. اگر شاگردان، فا را معلم در نظر نگیرند، و توجه‌شان را روی آن چیزها بگذارند، آن وقت نیروهای کهن می‌توانند برای شما هر تصویر دروغینی که بخواهند درست کنند. امروز این را برای‌تان کاملاً روشن می‌کنم: چیزی که می‌بینید - چیزی که با چشم انسانی‌تان می‌بینید - بدن اصلی استاد است. همین‌جا. منم. (تسویق) من‌های دیگر، هر قدر هم که سطح‌شان بالا باشد، صرفاً بدن‌هایی بالا هستند چون آنها را در آن مکان‌های بالا گذاشتم. می‌توانم تمام من‌هایی در تمام سطوح را برگردانم و آنها را یک بدن کنم تا تمام‌شان هم‌زمان این‌جا با من باشند. و می‌توانم خودم را طوری متجلی کنم که در تک‌تک سطوح کل کیهان تماش من باشم. (تسویق) ولی بعضی وقت‌ها نیروهای کهن مداخله می‌کنند، و وقتی واقعاً می‌بینند که شاگردی راه را اشتباه رفته است به او تصویرهای دروغین نشان می‌دهند، جلوی دیدش را می‌گیرند، نمی‌گذارند استاد را در آن سمت دیگر ببیند، و از نظر ذهنی نمی‌گذارند در این‌جا ایمان درست داشته باشد. یک جعلی‌اش را می‌گیرند و در آن بعد حرکتش می‌دهند یا در این‌جا ثابت نگاه‌اش می‌دارند، و این شما را گمراه می‌کند. بنابراین نباید به آن چیزها نگاه کنید. فقط نادیده‌شان بگیرید. فا که این‌جا است و استاد این‌جا است همین کافی نیست؟ (تسویق)

آیا از من که این‌جا هستم فا آموزش داده نمی‌شود؟ همین دهان است (اشاره به دهان)، می‌بینید؟ (حضار می‌خندند، تسویق) همه‌اش را من آموزش داده‌ام. کسی نمی‌تواند مرا کنترل کند. نگران نباشید. نیروهای کهن اصلاً نمی‌توانند مبدأ جاری شدن فایی را که آموزش می‌دهم ببینند. هیچ موجودی نمی‌تواند سرچشمه‌ی فایی را که آموزش می‌دهم ببیند. حتی اگر موجودی از لایه‌لایه‌ی ماده و حیات می‌گذشت باز نمی‌توانست رد آن را تا مبدأ بگیرد. یکی از دلایلی که چرا از شما می‌خواهم فا را معلم در نظر بگیرید این است که نمی‌خواهم با شما این‌طور مداخله شود. از شما می‌خواهم فا را معلم در نظر بگیرید، و این‌ها همین‌جا هست، پس صرفاً مطابق فا عمل کنید و به‌طور باز و باوقار تزکیه کنید. اگر فا را نداشتید، در موردش فکر کنید، آیا امکان‌ش بود که بتوانید بر اساس آن یک‌ذره چیزی که می‌توانید ببینید تزکیه کنید؟ نمی‌توانستید، نه؟! پس چرا بر اساس الزامات فا عمل نمی‌کنید؟ حقیقتش این است که تمام آن جعلی‌ها حالا در جریان از بین رفتن هستند.

پرسش: تعداد کمی از شاگردان خارجی به چین رفتند و بازداشت شدند. آیا درست است که آنها مطابق الزامات استاد رفتار نکردند؟

**معلم:** نمی‌توانید این‌طور بگویید. مریدان دافا همگی سعی دارند راه‌هایی پیدا کنند که طبق بهترین چیزی که در توان دارند کارهایی برای دافا انجام دهند. نمی‌توانید بگویید فلان روشی که شاگردان کارها را انجام می‌دهند غلط است و فلان روش درست است. هر کسی مسیر خودش را می‌رود، و ما نمی‌توانیم پنداشت‌های خودمان را به دیگران تحمیل کنیم. وقتی مشکلی هست، سر این صحبت نکنید که کار چه کسی درست بوده و کار چه کسی اشتباه. وقتی مشکلی پیدا می‌شود، همه‌تان باید به هم کمک کنید و سعی کنید راهی پیدا کنید که آن را حل و برطرف کنید.

پرسش: به نظر من نشان مهربانی فقط این نیست که ظاهری دوستانه و خوشایند در سطح داشت. به نظرم جلوی شیطان را گرفتن نیز نمایی از مهربانی است. مثلاً عدم اطاعت ما از خواسته‌های به‌دور از منطق پلیس هنگ کنگ و پلیس آلمان یک‌نوع مهربانی بود، و نمایی از تقوای عظیم دافا.

**معلم:** به انسان‌ها که می‌رسد باید مهربان باشید، و به موجودات شیطانی که می‌رسد باید آنها را دور بریزید. در مورد آن پلیس‌ها، آنها بی‌اطلاع بودند و کنترل می‌شدند. اگر خوب اداره‌اش نکنید، آن وقت آنها وقتی که رفتار پلیدی با شما دارند معقول نیستند و تضادها که شدت می‌گیرند شما ضررهایی می‌بینید، بنابراین باید سعی کنید که از این ضررها دوری کنید. تا آنجا که می‌شود با مردم مهربان باشید، اما باید با جدیت با [آن موجودات] آن سمت دیگر برخورد کنید. وقتی چیزی روی دافا تأثیر منفی گذاشته یا به آن صدمه زده است، باز باید به‌طور جدی با به‌کارگیری قوانین مردم عادی آن را حل کنید. شیطان در پلیس آلمان چیزهای بد بسیار زیادی القا کرده بود، و آن زمان کاملاً دور از منطقی با ما رفتار کردند. طرز برخورد یک ملت با دافا چگونه باید باشد، و وقتی پلیدی و درستی روبروی‌شان است چه برخوردی باید داشته باشند؟ با آینده‌شان چه کاری باید کنیم؟! بعد از اینکه آن اتفاق‌ها افتاد باید بی‌درنگ به آن رسیدگی می‌کردید و به دستگاه قضایی مراجعه می‌کردید. کشور آنها کشوری دموکراتیک است، و حتی اگر رئیس دولت‌شان جرمی مرتکب شود او را به دادگاه می‌برند، چراکه او با رأی انتخاب شده است. البته، این موضوع مربوط به قبل است، پس سخت است که الان کار زیادی در این مورد انجام داد.

**پرسش:** بعضی اوقات حس می‌کنم ارزش این را که شما مرا نجات دهید ندارم. چگونه می‌توانم خودخواهی‌ام را تحت کنترل در بیاورم و به حد استاندارد برسم؟

**معلم:** این قدر بدبین نباشید. عادت‌های هر کس فرق می‌کند، و عرف‌های هر ملتی با هم فرق می‌کند. مردم محیط‌های مختلف زمینه‌های فرهنگی مختلفی دارند، و این‌ها موجب عرف‌های مختلفی می‌شوند. و جنبه‌های منفی فرهنگ‌های مختلف روی شاگردان ما که از زمینه‌های قومی مختلفی هستند تأثیر می‌گذارد. ولی این مسئله‌ای نیست. استاد به آن چیزها نگاه نمی‌کند. تا وقتی تزکیه کنید می‌توانید به درک [لازم] برسید، و رفته‌رفته می‌توانید هر کاری را خوب انجام دهید. واقع‌بینانه نیست که فکر کنیم فوراً می‌توانید هر کاری را خوب انجام دهید. همین‌طور که مطالعه‌ی فای‌تان را مرتب عمیق‌تر می‌کنید و همین‌طور که درک‌تان مرتب بهتر می‌شود خواهید توانست خوب عمل کنید.

**پرسش:** چگونه می‌توانیم برای دولت ایالات متحده واقعیت‌ها را بهتر روشن کنیم؟

**معلم:** شما در این مدت مشغول انجام این کارها بوده‌اید، و تا اینجا خیلی خوب عمل کرده‌اید. جلوتر که می‌رویم موضوعی است از اینکه آن را در سطحی عمیق‌تر انجام داد، و در مقیاسی وسیع‌تر.

**پرسش:** من ایمیلی برای خیلی از هم‌تمرین‌کنندگان نوشتم. چیزی که می‌خواستم بگویم خوب بود، ولی طرز برخورد قدری منفی بود. هم‌تمرین‌کنندگانم دیگر بعد از آن، موضوعات را با من در میان نمی‌گذارند. آیا کارم اشتباه بود؟

**معلم:** همین حالا هم متوجه شده‌اید که برخوردتان تا حدی منفی بوده، و برای همین است که قبولش نکردند. قبولش نکردند چون آنها هم افکار بشری دارند. شاید، از آنجا که مرید دافا باشید، هر دو طرف باید به مسائل به شکلی درست نگاه کنید. مریدان دافا باید هر چیزی را مثبت اداره کنند. به سمت منفی دیگران نگاه نکنید. همیشه باید به سمت مثبت‌شان نگاه کنید. حقیقتش، آیا می‌دانستید که آن وقت‌ها که دافا را به شما آموزش می‌دادم، موقع کلاس‌ها افکار بشری خیلی زیادی از طرف حضاری که پایین بودند بیرون فرستاده می‌شد؟ افکاری که بعضی افراد بیرون می‌فرستادند واقعاً بد بود، ولی من به هیچ‌کدام آنها نگاه نکردم. فقط به سمت مثبت شما نگاه می‌کنم، و برای همین می‌توانم نجات‌تان دهم. اگر همیشه سمت منفی‌تان را می‌دیدم چگونه می‌توانستم نجات‌تان بدهم؟ هر چه بیشتر نگاهش می‌کردم عصبانی‌تر می‌شدم، و بعد چگونه می‌شد نجات‌تان بدهم؟ (تسویق) پس هر موقعیتی که باشد، تحت تأثیر رفتار بشری قرار نگیرید، تحت تأثیر افکار بشری قرار نگیرید، و تحت تأثیر احساسات این دنیا هم قرار نگیرید. مثبت‌های دیگران را بیشتر ببینید و منفی‌هایشان را کمتر.

پرسش: وقتی فا را گروهی مطالعه می‌کنیم و تبادل تجربه می‌کنیم، من حرفی برای گفتن ندارم، و هیچ نظری ندارم. این مشکلی ندارد؟

**معلم:** شاید وضعیت تزکیه‌تان باعث شده باشد. اگر نمی‌خواهید صحبت کنید صحبت نکنید. اگر وقتی دیگران صحبت می‌کنند ناراحتید که حرفی ندارید بزنید، آن وقت اگر نمی‌توانید صحبت کنید صحبت نکنید؛ مشکلی ندارد. اگر بخواهید صحبت کنید خودش طبیعی می‌آید و صحبت خواهید کرد. ولی نگذارید عادت حرف‌زدن‌تان مانع شما شود.

پرسش: استاد گفته‌اند که مردم آینده نقش مهمی در این سطح کیهان به عهده خواهند داشت. این نقش مهم دقیقاً چیست؟ ممکن است توضیح دهید؟

**معلم:** در آینده این مکان انسان‌ها جای بی‌نهایت خاصی خواهد بود. و چرا این حرف را می‌زنم؟ تاریخچه‌ی بشر هر قدر هم که طولانی باشد، بشر برای نجات تمام موجودات و برای اصلاح- فا خلق شد، و برای همین این سطح انسان‌ها خلق شد. قدیم‌ها هیچ نوع بشری وجود نداشت. در این نقطه، این جایی که زمین هست، قبلاً سیاره‌های دیگری بود، و آن سیاره‌ها ساختارشان با ساختار زمین امروزی فرق می‌کرد. به خاطر وجود انسان‌ها بود که چیزهای بسیار زیادی مثل آب، گیاهان، حیوانات و غیره روی این زمین خلق شدند. موجودات و محیط‌هایی که قبلاً روی سیاره‌های این‌جا بود بدتر بودند. سطح بالاترین موجودات آن‌جا شبیه موجودات فضایی بودند. به بیانی، هیچ انسانی در این مکان وجود نداشت. و هر تعداد بار هم که سیاره‌ها در این مکان نابود و خلق شدند هیچ انسانی وجود نداشت. در تمام تاریخ فقط دو سیاره انسان داشته است: زمین قبلی و این زمین. زمین قبلی آزمایشی بود که نیروهای کهن برای آموزش فای این‌بار نظم و ترتیب دادند. این‌بار واقعی است، اصلاح- فا شروع شده است. نیروهای کهن هستند که آن روند را نظم و ترتیب دادند.

قبل از اینکه این‌جا بیایم می‌دانستم نیروهای کهن همه‌ی این چیزها را نظم و ترتیب خواهند داد، و در لابلای آن نظم و ترتیب، چیزی که می‌خواستیم را انتخاب کردم. اما وقتی به بسیاری از چیزهای بنیادی می‌رسد نیروهای کهن نمی‌توانند تغییرشان دهند. هرچند امور به آن صورت معین شده بودند، اما بعد از اینکه اصلاح- فا شروع شد نیروهای کهن باز بیش از هشتاد درصد چیزی که قبل از تاریخ تعیین شده بود را تغییر دادند. نمی‌توانم چنین رفتاری را تأیید کنم، اینکه از من برای ارضای خودخواهی‌شان استفاده می‌کنند و ایمنی تمام موجودات و افلاک عظیم را نادیده می‌گیرند. این یکی از دلایلی است که آنها را پاک‌سازی می‌کنم. دلیل دیگر این است که شروع به انجام اصلاح- فا کردم زیرا می‌دانستم کل این دیگر به اندازه‌ی کافی خوب نیست، هر قدر هم موجودات داخل آن خرد داشته باشند هنوز نمی‌توانند تقدیر انهدام را تغییر دهند، و این که فقط وقتی امور به طور بنیادی تغییر کند می‌توانند نجات پیدا کنند. اما هیچ کدام از چیزهای کهن، اینکه من کارها را آن‌طور انجام بدهم را درک نمی‌کردند. با این وجود می‌توانستم به انجامش برسانم، و چه می‌توانستند آن را درک کنند چه نمی‌توانستند، نجات موجودات چیزی است که حیاتی است. بنابراین درحال گذر از تمام سدها و انجام هرچه که می‌شد برای حل و فصل تمام مشکلات بی‌شمار بوده‌ام. در این روند، موجودات سطوح مختلف دیده‌اند که هر کاری که انجام می‌دهم امید نجات واقعی همه چیز است. تا این‌جا که انجام شده است، تمام موجودات این را نیز دیده‌اند که هر چیزی که نیروهای کهن می‌خواستند انجام دهند نمی‌تواند امور را حل و فصل کند، چراکه آن چیزها ریشه‌ای ندارند.

همین‌طور که اصلاح- فا در بالاتر پیشروی می‌کند دیگر اثری از نیروهای کهن نیست، و دیگر هیچ کدام از عوامل مربوط به نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن وجود ندارند - بدون هیچ نتیجه‌ای تمام می‌شوند. نیروهای کهن، در خصوص رفتن به سمت تازه‌سازی و نجات تمام موجودات، مثل مانعی هستند که از همه بزرگ‌تر است، کنار زدن آن از همه سخت‌تر است، مانعی که بیشتر از همه احتمال دارد باعث شود فرد مسیر خود را گم کند، نتواند راحت درست و اشتباه را از هم تشخیص دهد، و مانعی که چیره شدن به آن از همه سخت‌تر است؛ آنها یک قفل حیاتی و مرگ‌وزندگی در لبه‌ی تولد افلاک عظیم جدید هستند، و مانعی بسیار بزرگ مقابل تازه‌سازی. اما قبلاً این مکان را انتخاب کردم چون می‌خواستیم به موجودات کیهان که پایین افتاده‌اند شانس برگشت بدهم، و این را بخشی از توانایی کیهان کنم که بگذارد موجودات وارد مکانیزم هماهنگ‌سازی، تماماً دربرگیرندگی، و



بی‌انهدامی شوند. بنابراین مسیر مردم آینده که خدا شوند واقعاً محقق شده است. مردم قبلاًها می‌گفتند، "اوه، وقتی که مُردم به دیدن خدا می‌روم". شما می‌گویید به دیدن خدا می‌روید، ولی آیا خدا شما را خواهد دید؟ در اصل، در انجیل خیلی واضح بیان شده که فقط وقتی که زمان پایانی می‌رسد، که روز رستاخیز است، فقط آن وقت است که لرد، آن افرادی را که واقعاً به حد استاندارد رفتن به "آسمان" رسیده‌اند خواهد پذیرفت و رستگار خواهد کرد. امروز، موجودات ذی‌شعور در طول جریان بازپیدایی‌های مداوم‌شان، زندگی‌ای بعد از زندگی دیگر، همگی در انتظار بوده‌اند. در این روند گناه‌کاران به جهنم می‌افتاده‌اند. با این حال، رفتن به جهنم معنی‌اش این نیست که نابود می‌شوند. لازم است آنجا تاوان گناهان‌شان را پس دهند و رنج ببرند، و بعد از اینکه تاوان گناهان‌شان را پس بدهند برمی‌گردند و دوباره شروع به بازپیدایی می‌کنند. اما بعد از اینکه کسانی که گناهان فوق‌العاده عظیمی دارند به جهنم می‌روند مستقیماً نابود می‌شوند و آنها را به "جهنم بی‌پایان" می‌فرستند، و وقتی کسی از دروازه‌ی نیستی داخل برود دیگر هیچ‌وقت دوباره نمی‌تواند زندگی کند. قبلاً این‌طور بود.

پس از این که نژاد انسان خلق شد خدایان نیز در صحنه‌ی بشر ظاهر شدند، و به این ترتیب تزکیه و ایمان درست پدیدار شد. اما هیچ‌گاه خود فرد نبوده که تزکیه کرده است، روح کمکی بود که تزکیه می‌کرد. دلیل اینکه روح کمکی می‌توانست تزکیه کند این بود که وارد محدوده‌ی فرضی سه قلمرو می‌شد بی‌آنکه واقعاً وارد سه قلمرو شود. چرا این‌طور بود؟ برای مثال، همان‌طور که کمی قبل گفتیم، وقتی بعضی موجودات وارد بدن بشری شده‌اند، در اصل واقعاً داخل آن انسان نشده‌اند، چرا که آن فقط یک بعد است. من تمام بعدهای طرفی از مریدان دافا را که کامل تزکیه شده است مَهر کرده‌ام. هیچ کسی نمی‌تواند وارد شود. هر کسی می‌تواند از داخل طرفی که کامل تزکیه نشده بگذرد، اما محافظان - فا و استاد از این مراقبت می‌کنند، و به آنها اجازه‌ی رد شدن نمی‌دهند. البته، هیچ عنصری نمی‌تواند از داخل من در آن سمت دیگر رد شود. وضعیت استاد در این‌جا این‌طور است که سطح بیرونی بدن من حیات‌های تمام خدایان، تمام موجودات، و تمام عناصر در تمام بدن‌های کیهانی بزرگ و بسیار عظیم کیهان را نگه داشته است. این وضعیت قبل از ورود اصلاح دنیای بشری توسط فا است. ولی آن عناصر در فاصله‌ها و شکاف‌های فضایی که حافظ بقای موجودات هستند نیز خدا هستند، و در این مدت می‌توانند از داخل بدن مردم عادی بگذرند. همچنین، مثل این می‌ماند که موجودات در آنها غوطه‌ور باشند - درست مثل وقتی که نفس می‌کشید، وقتی نفس می‌کشید آنها را فرو داده‌اید. در شکاف‌های بین ذرات، موجودات کیهان میکروسکوپی از داخل بدن یک فرد عادی به دلخواه عبور می‌کنند. و آنها روح تسخیرکننده نیستند. کیهان صرفاً همین‌طوری است. خیلی‌ها می‌گویند که این را دیدند و آن را دیدند، در صورتی که در اصل بیشتر چیزی که دیدند تصاویر کاذبی است که هم‌زمانی بعدهای مختلف می‌سازد. آنها واقعاً داخل نشده‌اند، و واقعاً با ذرات آن فرد ادغام نشده‌اند. بنابراین آن روح‌های کمکی که در گذشته تزکیه می‌کردند در قلمروهای اصلی و میکروسکوپی خودشان بودند، و در محدوده‌ی مفروض. با ذرات واقعی بدن‌تان ادغام نمی‌شدند. اگر می‌شدند سقوط می‌کردند و هیچ‌وقت نمی‌توانستند برگردند. در قبل، حتی یک موجود هم که از آسمان پایین افتاده بود نتوانسته برگردد. و بین انسان‌ها، سقراط، حکیم یونان قدیم، نیز گفته است که هیچ کسی که از آسمان سقوط کرده است نمی‌تواند برگردد. او واقعاً یک پیامبر بود، ولی مردم او را فیلسوف در نظر گرفته‌اند.

*پرسش: تمرین‌کننده‌ای در منطقه‌ی ما علایم یک بیماری جدی را داشته است. بعضی تمرین‌کنندگان پیشنهاد کرده‌اند که گروهی به سمتش افکار درست بفرستیم، درحالی که دیگران این نکته را مطرح کردند که استاد هرگز از ما نخواسته‌اند چنین کاری کنیم. آیا این کار به دافا آسیب می‌زند؟*

**معلم:** به همدیگر کمک می‌کنید، و این صدمه زدن به دافا نیست. اگر کاری کنید که همه کتاب را برای او بخوانند، یا فا را برای او بخوانند، به سمتش افکار درست بفرستند، و به صورت گروهی دور او را بگیرند، این چیزها موثر خواهند بود چراکه در فاصله‌ی نزدیک بودن، یکی از عوامل مطرح است. و چرا یکی از عوامل است؟ چون این بُعد را عناصر پایانی سطوح بالا به قسمت‌های گوناگونی تقسیم کرده‌اند، و هنوز اختلاف‌هایی در این بُعد وجود دارد. ولی اگر افکار درست کسی قوی باشد آن

اختلافها را می‌شود از بین برد. اگر اعمال‌تان خیلی درست باشند نمی‌تواند جلوی شما را بگیرد، چون اگر سعی کند جلوی‌تان را بگیرد فا را نقض کرده است. این طور است.

**پرسش:** استاد یکبار این فا را آموزش دادند که موجودات ذی‌شعور از افلاک عظیم کیهان پله‌پله وارد سه‌قلمرو شده‌اند. استاد همچنین گفته‌اند که شاکيامونی از سطح ششم جهان مستقیماً به درون سه‌قلمرو بازپیدایی یافت. ارتباط بین این دو چیست؟

**معلم:** استاد این را هم گفته است که قدرت فا بی‌حد است. بازپیدایی مستقیم از سطح ششم جهان به سه‌قلمرو شامل روندی بود. این روند این بود که او می‌بایست به شش سطح از جهان نفوذ می‌کرد و به سه‌قلمرو می‌رسید، و می‌بایست توسط لایه‌ای از هر جهانی که در آن بین بود و نیز تمام بعدهای گوناگونی که در آن بود پوشیده شود، یا به عبارتی، هر وقت که یک سطح پایین می‌آمد لایه‌ای دیگر از ذرات رویه‌ای و سطحی اضافه می‌شدند. آیا وقتی کسی از آسمان بیرون انداخته می‌شود نیز به همین شکل پایین نمی‌افتد؟ صحبت از این موضوع و پله‌پله پایین آمدن، صحبت از گذر آنی است و توقف کردن. البته، وقتی خدایی پایین می‌آید و سطح به سطح بازپیدا می‌شود، اهمیت و هدف این کار کاملاً فرق می‌کند. همین طور که موجودی بازپیدا می‌شود روابط کارمایی شکل می‌دهد. او در آن سطح فقط پدر و مادر و خواهر و برادر ندارد، خانواده و دوستان بسیار زیادی هم دارد که همگی با او رابطه‌ی کارمایی دارند.

**پرسش:** وقتی هنگام انجام کارهای اصلاح- فا امور نرم و هموار جلو نمی‌رود، سخت است تشخیص دهیم که به خاطر مداخله از سمت نیروهای کهن است یا اینکه اشاره‌ای است که استاد نمی‌خواهد آن کار انجام شود. چگونه می‌توانیم این دو را بهتر از هم تشخیص دهیم؟

**معلم:** باید از فا برای ارزیابی استفاده کنید. برای همین است که به همه‌ی شما می‌گویم که فا را مطالعه کنید، و شما باید از فا به‌عنوان استاندارد ارزیابی هر چیزی استفاده کنید. لازم نیست تمام مدت کتاب همراه‌تان باشد که هر کاری که می‌خواهید انجام دهید را با چیزی که در کتاب است مقایسه کنید. بعد از اینکه فا را مطالعه کرده‌اید باید تفکر معقولانه‌تان را به کار ببرید تا به عنوان مرید دافا تعیین کنید که آن کاری است که باید انجامش دهید یا نه. اگر حس می‌کنید که باید انجامش دهید، پس [انجامش] اشکالی ندارد. و اگر هم اشتباه از آب در بیاید، فقط علتش این است که درک‌تان هنوز آن قدرها عمیق نیست؛ و نمی‌شود برای شما اشتباه بزرگی به حسابش آورد، چون واقعاً فکر می‌کردید که بر طبق فا کارها را انجام می‌دهید. آیا به همین صورت نیست؟ اما بعد این را بهانه نکنید. مسئول بودن نسبت به فا مسئول بودن نسبت به خودتان است.

**پرسش:** درحال حاضر خیلی‌ها از بین مریدان این طرز فکر را دارند: وقتی تمرین‌کننده‌ای به خاطر مداخله از طرف نیروهای کهن محنت‌هایی تجربه می‌کند، تمرین‌کنندگان دیگر فکر می‌کنند که اگر هم وابستگی‌هایی داشته باشد، نباید به شکنجه اجازه داد که اتفاق بیفتد و همه باید افکار درست بفرستند. سؤال این است که اگر خود آن تمرین‌کننده رشد نکند آیا این کار مؤثر واقع می‌شود؟

**معلم:** این مانع جدی‌ای می‌شود. اگر او خودش معقول نباشد هر کاری هم کنیم هیچ به حساب می‌آید. فرستادن افکار درست می‌تواند چیزهایی را که بیرون از اوست از بین ببرد ولی نه چیزهایی را که داخل ذهنش است. هر کاری که کسی می‌خواهد انجام دهد از یک فکر او می‌آید - اوست که تصمیم می‌گیرد چیزی را می‌خواهد یا نه. وقتی این وضع پیش می‌آید، فکر می‌کنم باید گره‌ای در ذهنش باشد که از وابستگی‌ها ناشی می‌شود. اگر واقعاً نمی‌تواند انجامش دهد، می‌توانید بروید و به او کمک کنید. این کار اشکالی ندارد. سعی کنید کمکش کنید با بیشتر مطالعه کردن فا و بر اساس حقایق فا امور را متوجه شود.

**پرسش:** دیدگاهی وجود دارد که می‌گوید ما باید با نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن مخالفت کنیم، قبل از اصلاح دنیای بشری توسط فا دوره‌ی صلح‌آمیزی از زمان ایجاد کنیم، و به چینی‌ها کمک کنیم حقیقت را متوجه شوند.

**معلم:** اینکه بخواهید شکنجه را متوقف کنید، این دیدگاه اشتباه نیست. کمک به چینی‌ها که حقیقت را متوجه شوند و نجات دادن موجودات ذی‌شعور کارهایی هستند که مریدان دافا باید انجام دهند. ولی چیزی به نام "دوره‌ی صلح‌آمیزی از زمان" وجود ندارد. شیطان فقط کمتر و کمتر خواهد شد، و شنونده‌ی کمتر و کمتری خواهد داشت، و مجازات کارمایی بسیار زیادی اتفاق خواهد افتاد.

**پرسش:** آیا اگر تمرین‌کننده‌ای در زندان به جای دست کشیدن از دافا ترجیح بدهد از زندگی خود دست بکشد، خودکشی تخطی از دافا است؟

**معلم:** خودکشی غلط است. اگر واقعاً محکم هستید و این قدر پابرجا که حتی از مرگ هم نمی‌ترسید، چرا خودکشی کنید؟ مطمئناً به پابرجا بودن تان باید توجه کرد، اما به خودکشی کردن تان چطور باید نگاه کرد؟ البته، من برای یک مرید دافا ارزیابی کاملی می‌کنم، به یک چیز نگاه نمی‌کنم، و به آن با توجه به تمام تاریخچه‌ی آن فرد نگاه می‌کنم. اما اگر هم آن عمل هیچ پیامد خاصی نداشته باشد، آیا باز ننگ نیست؟ برای اینکه، استاد در فای آموزش داده است که خودکشی کردن گناه است. چرا مطابق الزامات فای خودتان را اداره نکردید؟! این فقط مشکل عادی‌ای از درک و فهم نیست، هست؟ گفته‌ام که فشاری که زیر آن محیط شیطانی احساس می‌شود بسیار زیاد است، اما، باز، چرا به این دنیا آمدید؟ آیا این‌جا آمدید که فقط محنت‌های عادی تحمل کنید؟ بعد اینکه، چه چیزی در انتظار شما هست؟

**پرسش:** شما گفته‌اید که هیچ روح کمکی‌ای ندارید. آیا قبلاً هیچ روح کمکی‌ای داشتید؟ اگر داشتید، الان در چه وضعی هستید؟

**معلم:** (معلم می‌خندد) الان هیچ روح کمکی‌ای ندارم. وقتی به دنیا آمدم درست مثل شما بودم، و باید هر چیزی را که فرد عادی دارد می‌داشتم. بعدها آنها در مدت تزکیه‌ام رفته‌رفته برداشته شدند، و برای‌شان نظم و ترتیب دادم که همه‌شان به کمال برسند. اگر به کمال برسید و به سطوح خیلی بالایی برسید روح‌های کمکی‌تان همگی خدا خواهند شد، و بعضی‌هایشان حتی خدایان بسیار سطح بالایی می‌شوند، پس همگی‌شان لازم است به کمال برسند.

**پرسش:** استاد گرانقدر گفته‌اند، "نیروهای کهن می‌خواهند به هدف آنچه که می‌خواهند به آن برسند دست پیدا کنند". معنی این چیست؟

**معلم:** هدفی که می‌خواهند به آن برسند این است که می‌خواهند در اصلاح- فای کیهان را به وضعی که قبل از اصلاح- فای داشت برگردانند، به آن سیستم خودشان - باز کوه‌های خودشان، باز آب خودشان، باز خدایان خودشان، و باز وضعیتی که خودشان قبلاً داشتند. آنها امور را به این صورت انجام دادند، بنابراین نمی‌خواهند تغییری بدهند. تغییری که می‌خواهند این است که نمای ظاهری بهتر شود، درست مثل شستن یک دست لباس چرک. هنوز هم همان دست لباس کهنه است. خوب، معنی‌اش این است، ولی این مقایسه دقیق نیست. فقط این طور می‌شود توصیفش کرد. آنها فقط می‌خواهند که بر مینای از دست ندادن هیچ چیزی که اول داشتند، از راه نظم و ترتیب‌های دقیق، بتوانند به‌زیرکی، این فاجعه را رد کنند. ولی هرگز چنین اتفاقی نخواهد افتاد. این چیزی است که می‌خواستند. از همان اول آنها را رد [و نفی] کرده‌ام؛ و گرنه با اینکه قصد نداشتند تمام این را ناپود کنند، اما این کار را کرده بودند.

**پرسش:** برایم واضح است که زمان باز هم دوباره سریع‌تر شده است. در مورد موضوع روشن کردن واقعیت‌ها برای مردم دنیا...

**معلم:** بله، درست است. انگار فقط به چند پرسش جواب داده‌ام و دیگر هوا تاریک شده است. (حضار می‌خندند)

پرسش: در مورد موضوع مطالعه‌ی فا و انجام کارهای اصلاح- فا، وقت بسیار تنگ به نظر می‌رسد. ممکن است لطفاً کمی بیشتر به جزئیات این موضوع بپردازید؟

**معلم:** در حال حاضر زمان مدام سریع‌تر می‌شود. می‌توانم به شما بگویم که هر چه سریع‌تر کارها را انجام دهم زمان سریع‌تر می‌شود چراکه عناصر بالاترین مکان کیهان، اصلاح- فای من و زمان را به هم وصل کرده‌اند. زیرا زمان نیز خدایی از کیهان کهن است. آنها همه چیز در اصلاح- فا را به هم وصل کرده‌اند. وقتی من سریع آنها سریع‌اند، و وقتی کُندم آنها کُندند، برای همین هر چه سریع‌تر کارها را انجام دهم زمان سریع‌تر می‌شود. اما من، معلم شما، انتخابی جز این ندارم که کارها را سریع انجام دهم. اگر به موقع به آن نرسم، در آخر دیگر خیلی دیر است که همه چیز را نجات داد. می‌دانید که جهان به سرعت در حال انبساط است، و بشر نیز دیده است که جهان درون این محدوده حالا در حال انبساط است. دانشمندان امروزی این را می‌دانند، درست است؟ سرعت انبساط مدام رو به افزایش است. در پایان انبساط چه اتفاقی می‌افتد؟ دیده‌اید که بادکنک چطور است، نه؟ باد می‌کنید، باد می‌کنید، و باد می‌کنید، و وقتی تا آخرین حدش آن را باد کنید، "بنگ!" - می‌ترسد. دانشمندان تا به حال متوجه‌ی این شده‌اند، و می‌دانند که این انبساط ترسناک است. اگر نتوانم دنبالش کنم، تمام این، یا دست کم جاهایی که اصلاح- فا هنوز تمام نشده است، نابود می‌شود.

مجبورم سریع عمل کنم. اولش فاصله بسیار زیاد بود، خارج از تصور. در حال حاضر تا چیزی ظاهر می‌شود می‌توانم همان وقت قسمتی از آن را بگیرم. مثلاً فرض کنید این چیز صد قسمت دارد، بنابراین همان لحظه‌ای که ظاهر می‌شود می‌توانم بلافاصله آن را بگیرم و بعد در یک آن حل و فصلش کنم. امور در مرحله‌ی آخر از مرحله‌ی آخر این هستند که کاملاً به آن نقطه برسند. چه اصلاح- فا را کامل کرده باشم یا نه، امور یک‌طورند، چون همه چیز همین الانش هم از آنها جلو زده است، و در مدت اصلاح- فا دیگر زمان و مکان اصلی هیچ معنی واقعی‌ای ندارند که بتوانند مانع شوند.

پرسش: شما سه ساعت پشت هم صحبت کرده‌اید... (معلم می‌خندد) (میریدان تشویق می‌کنند)

**معلم:** دارم برگه‌هایی را برمی‌دارم که کلمات کمتری روی‌شان نوشته شده و آن پرسش‌ها را جواب می‌دهم.

پرسش: "لی بای" شاعری بزرگ بود، و یک تزکیه‌کننده‌ی دائو. او چه نوع رابطه‌ی کارمایی‌ای با دافا دارد؟

**معلم:** در مورد شخصیت‌های تاریخی، نباید زیاد درباره‌شان فکر کنید. خیلی از آنها شما بودید، و خیلی از آنها من بودم. (تشویق) اما بابت این زیاد شادی نکنید! توانایی‌ها و استعدادها‌ی شما از آن‌جا سرچشمه نگرفته است. توانایی‌ها و استعدادها‌ی شما را فا این بار به شما داده است (تشویق) و ارتباطی به آن [گذشته] ندارند.

پرسش: افراد اجتماع بشری عادی، مخصوصاً آنهایی که در اجتماع مناصب نسبتاً عالی‌ای دارند، در آغاز نه تنها احساس منفی‌ای نسبت به دافا و جن- شن- رن نداشتند، در واقع احساس مثبتی هم داشتند. اما روشی را که خیلی از میریدان دافا کارها را انجام می‌دهند نمی‌پسندند، و فکر می‌کنند خیلی افراطی است و مهربانانه به نظر نمی‌آید.

**معلم:** میریدان دافا باید به این موضوع توجه کنند. از آن طرف، آیا امکان دارد به خاطر تفکراتی باشد که مردم عادی پیدا کرده‌اند، تفکراتی چون رعایت به اصطلاح آداب، داشتن تعادل، و شتاب‌زده نبودن؟ آیا علتش این است که نسبت به انجام خیلی سریع کارها نظر خوبی ندارند؟ شیطان ما را شکنجه می‌کند، و مردم در حال مردن هستند. ما در وضعی نیستیم که بخواهیم کارها را آن‌طور با خیال راحت انجام دهیم. اما از طرفی، باید بهترین سعی‌تان را در مراعات آداب اجتماعی کنید. میریدان دافای ما در تب و تاب نجات موجودات ذی‌شعورند، ولی آن افراد باز هم سخت‌گیری می‌کنند. به هر صورت، میریدان دافا، شما باید تمام سعی‌تان را کنید که باز هم سازگارتر باشید! مردم در حال لغزیدن به پایین هستند درحالی که ما به بالا صعود می‌کنیم، پس اگر می‌خواهیم نجات‌شان دهیم باید کارها را آن‌طور انجام دهیم.

پرسش: درود، استاد گران قدر! صبح امروز که فا را آموزش دادید اشاره کردید که نیروهای کهن درحال سوءاستفاده از تعداد کمی از تمرین کنندگانی هستند که وضعیت‌های خاصی را بروز می‌دهند. آیا این مثل همان جنون چی‌گونگ است که در سخنرانی ششم جوآن فالون آمده است؟

**معلم:** آنها در اصل در قسمت‌های مختلفی مشغول ایجاد مداخله هستند. چیزی که صبح گفتم را جوآن فالون پوشش داده است و برای جوآن فالون حالت تکمیلی دارد. جوآن فالون درباره‌ی امور به صورت کلی صحبت می‌کند ولی معانی درونی بسیار عمیقی در خود دارد. اگر فا را مکرر مطالعه نکنید، آن وقت درک فایی که الان آموزش می‌دهم سخت به نظر می‌رسد. عمق حقایق فای دافای کیهان چیزی نیست که بشود در سطوح پایین کامل متوجه شد. فا می‌تواند خودش را در سطوحی مختلف متجلی کند، و می‌تواند خودش را در همان سطح به صورت عام و یا خاص متجلی کند - کاملاً دربرگیرنده است.

پرسش: آزادی، دموکراسی، و حقوق بشر اصولی درست در دنیای انسان‌ها به نظر می‌رسند. آیا آنها را هم نیروهای کهن برای اصلاح- فای امروز نظم و ترتیب دادند؟

**معلم:** قسمت دوم این صحبت درست است، ولی قسمت اولش نه. آنها اصول انسان‌ها نیستند، بلکه، آنها را نیروهای کهن نظم و ترتیب دادند. اصول بشری بسیار ساده‌اند، و دموکراسی در واقع یک اصل بشری نیست. در طول میلیون‌ها سال که از تاریخ بشر گذشته است مردم همیشه تحت سلطه‌ی پادشاهان بوده‌اند. در اوجش بیشتر از ده هزار کشور روی زمین بود، و بیشتر از ده هزار پادشاه، شاهزاده، و ملکه وجود داشت. این تمدن قدیم بود، و برای همین است که به آن می‌گفتند "حکومت پادشاه به کشور؛ فتح دنیا با نیروی نظامی؛ قدرتمند قهرمان است". ولی به چشم خدایان آدم قدرتمند یک یاغی بود. و اهمیتی ندارد که انسان‌ها فکر می‌کردند او آدم درستی است، خدایان او را یاغی می‌دیدند. پس چرا خدایان کاری می‌کردند که نبرد کند و او را قهرمان می‌کردند؟ چون خدایان می‌خواستند بر روی زمین به اهدافی برسند و می‌خواستند وضعیت خاصی در بین انسان‌ها ظاهر شود، و باید کسی را برای انجام کارها انتخاب می‌کردند. بعد کسی که انتخاب می‌شد به انجام کارها طبق الزامات خدایان ادامه می‌داد. هرچند آن کار را با زور انجام می‌داد، از آنجا که خواست خدایان این بود، خدایان بعد از اینکه به انجامش می‌رساند به او افتخار می‌دادند. و چه نوع افتخاری؟ او را قهرمانی بزرگ کنیم که همه تحسینش کنند، کسی که افتخار حکمرانی به سرزمین را دارد - همین! (معلم می‌خندد) بیرون از سه قلمرو، اصول انسان‌ها صحیح در نظر گرفته نمی‌شوند، ولی این‌جا در بین انسان‌ها اصول درست می‌شوند. اصول بشری قبل به این شکل بود.

در این چند وقت اخیر، اصلاح- فا که در پیش بود بسیاری از پادشاهان در چین بازپیدا شده‌اند، و دیگر هیچ کسی نمی‌توانست بگوید که پادشاه است. و موضوع دیگری هم هست. موجوداتی از سطوح مختلف از خیلی از سطوح بالا به پایین آمده‌اند و به انسان بازپیدا شده‌اند، و این امر ترکیب قومیت‌های مختلف را تغییر داده است. چه کسی را آن وقت باید پادشاه کرد؟ اداره‌ی این موضوع سخت‌تر هم هست، و بنابراین نیروهای کهن خیلی ساده گذاشتند خود انسان‌ها برای خودشان انتخاب کنند، و این دموکراسی است. دموکراسی، وقتی از آسمان‌ها به اصل و اساسش نگاه کنید، به خاطر این دو موضوع پیدا شد. در رابطه با حقوق بشر، فقط محدود به حقوق بشر نمی‌شود - حفاظت از حیوانات هم هست. پوسته‌های بشری تمام شدند، برای همین خیلی‌ها به حیوان بازپیدا شدند و خیلی‌ها هم به گیاه. تمام این چیزها این اواخر اتفاق افتاد، و مرتبط به اصلاح- فا است. همین‌طور که اصلاح- فا در پیش بود، همه‌چیز به‌خاطر دافا آمد، برای دافا متولد شد، و برای دافا خلق شد. ولی قرار نیست همه‌چیز نقش مثبت داشته باشد. وضعیت این است.

پرسش: استاد گفته است که بخشی از ما که کامل تزکیه شده است در مدت تزکیه‌مان از بقیه‌اش جدا می‌شود. حالا که ما در مرحله‌ی پایانی اصلاح- فا هستیم، چگونه می‌توانیم از سد این جدایی بگذریم؟

**معلم:** چون عناصر آخر بزرگ‌ترین عناصر هم هستند شکاف بین‌شان بزرگ است، و فقط درحالی که فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند وقتی نیروی پر قدرت اصلاح- فای استاد برسد می‌شود آنها را کاملاً از بین برد. این امور را فقط وقتی آن نیروی

عظیم برسد می‌شود حل کرد. همین که برسد و گذر انجام شود، شروع اصلاح دنیای بشری توسط فا است. یا از زاویه‌ای دیگر به آن نگاه کنیم، کارهایی که امروز انجام می‌دهید می‌تواند باعث ضررهای کمتر در بین مریدان دافا و هم‌تمرین‌کنندگان تان شود، ولی نمی‌تواند مشکل را به طور بنیادی حل کند. باز با این حال، در روند اعتباربخشی به فا می‌توانید وضعیتی به بار بیاورید که قسمتی از مردم دنیا خوب شوند، که می‌تواند افراد بیشتری را نجات دهد، و جلوی اینکه شیطان خیلی شرورانه عمل کند را می‌گیرد، ولی پایان آن نیست.

*پرسش: استاد، کی قصد دارید به ما مطالبی در مورد خدایان اولیه بگویید؟ در مدت اصلاح - فا آنها...*

**معلم:** نیروهای کهنی که درباره‌ی آنها صحبت کرده‌ام خدایان اولیه‌اند. خدایانی که درباره‌ی آنها صحبت کرده‌ام همگی خدایان اولیه‌اند. آن نیروهای کهن، می‌توانم به شما بگویم، آنها عالی‌ترین موجودات هر سطحی بودند، و نابود شده‌اند. آنهايي که از همه تواناتر بودند در نتیجه‌ی نظم و ترتیب آن آخرین نیروی کهن نابود شدند. قصد آن این بود که به قیمت نابودی این قسمت به چیزی که می‌خواهد برسد. کیهان به قدری عظیم است که بی‌کران و بی‌انتهاست. بنابراین، با در نظر گرفتن اینکه بی‌کران و بی‌انتهاست، وقتی با انهدام روبرو می‌شود می‌خواهد که خودش را نجات دهد چراکه یک خداست. و در اصل، نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن روشی است که برای نجات خودشان پیدا کردند. آنها نظم و ترتیب‌های بسیار دقیق و کاملی دادند. ولی متوجه نشدند که این طور حفظ جان کردن دقیقاً منجر به نابودی‌شان می‌شود. اگر کارها را این طور انجام نداده بودند این بار واقعاً نجات پیدا می‌کردند. ولی این طور انجامش دادند و خیلی‌هایی که می‌خواستیم را نابود کرده‌اند، و گناهان‌شان بسیار بزرگ شده است چراکه همه‌ی آن موجودات ذی‌شعور را آنها نابود کرده‌اند.

*پرسش: گفته‌اید که ایالات متحده سلسله‌ی مینگ سابق است. در مدت سلسله‌ی مینگ خیلی‌ها تزکیه‌کننده‌ی دائوئیستی بودند. ممکن است لطفاً استاد در مورد وضعیت روشن‌گری واقعیت‌ها به دولت ایالات متحده توسط مریدان دافای امروز این کشور، ما را آگاه کنند؟ مریدان در ایالات متحده به قدری سرشان شلوغ است که به نظر می‌رسد کمی بی‌تفاوت و دلسرد شده‌اند. چه کار باید کرد تا آن نیک‌خواهی‌ای بدمد که آسمان و زمین را به لرزه می‌اندازد...*

**معلم:** نباید آن طور صحبت کنیم. می‌خواهم به همه‌تان بگویم، شما باید با عقل و منطق امور را انجام دهید. وقتی واقعیت‌ها را روشن می‌کنید، اگر فقط یک ذره‌ی کوچک بالای اصول بشری بروید مردم نمی‌توانند قبولش کنند. پس وقتی واقعیت‌ها را روشن می‌کنید نباید درباره‌ی چیزهای سطح بالا صحبت کنید. چیزهایی که شما می‌دانید چیزهایی هستند که خدایان باید بدانند. آن چیزها مسائلی هستند که من به شما آموزش داده‌ام، نه به مردم دنیا. پس نباید آن مطالب را به مردم عادی بگویید. فقط می‌توانید از شکنجه و آزار شدن مان صحبت کنید، از وضعیت واقعی مان، از اینکه افراد خوبی هستیم و به غلط شکنجه می‌شویم، از اینکه آزادی عقیده مان نقض می‌شود، از اینکه حقوق بشری مان نقض می‌شود. می‌توانند تمام این موضوعات را بپذیرند، و بلافاصله از شما حمایت می‌کنند و اظهار هم‌دردی می‌کنند. همین کافی نیست؟ چرا اصرار دارید اصول سطوح به آن بالایی را بدانند؟ مردم دنیا همان واقعیت‌ها را که بدانند خواهند گفت که به فالون گونگ شکنجه و آزار می‌رسد و شکنجه‌گران بسیار پلیدند. این حرف‌ها را خواهند گفت، و همین بس نیست؟ البته، قصد شما این است که او مرید دافا شود. ولی در این زمان چنین کاری سخت است زیرا نیروهای کهن در حال کارشکنی هستند. استاد مراقب تمام آن استثنای‌هایشان خواهد بود. ولی آن فردی که با او صحبت می‌کنید شوق لازم آن را ندارد، و تازه نیروهای کهن نیز در حال کارشکنی هستند. کار شماره‌ی یک ما در این زمان این است که کمک‌شان کنیم از حقیقت وضعیت باخیر شوند. ممکن است کسی را ببینید که فوق‌العاده خوب است و هر مطلب سطح بالایی هم که به او بگویید بتواند بپذیرد، آن وقت می‌توانید بروید و درباره‌ی آن چیزها به آنها بگویید. مشکلی ندارد و آنجا مسئله‌ای پیش نمی‌آید. ولی مطلبی که صحبتش را می‌کردم، مخصوصاً در مورد بعضی مسئولان حکومتی صدق می‌کند، چون هر چه باشد آنها سیاست‌مدارند، و به فکر هیچ چیز جز سیاست نیستند، برای همین وقتی

این چیزها را به آنها می‌گویید اصلاً باور نخواهند کرد. آن موقع آیا مثل این نیست که نه تنها نتوانسته‌اید نجاتش دهید او را به پایین نیز هل داده‌اید؟ درست نمی‌گوییم؟

**پرسش:** در حال حاضر عده‌ای هستند که کار بسیار زیادی برای روشن کردن واقعیت‌ها انجام می‌دهند ولی خیلی کم فا را مطالعه می‌کنند و تمرین می‌کنند.

**معلم:** این مشکل، مشکلی بسیار جدی است. مریدان دافای ما نباید از رشد فردی غافل شوند. نجات موجودات ذی‌شعور وظیفه‌ی باشکوه مریدان دافا است. اما چون فا را مطالعه نمی‌کنید کیفیت کار روشن‌گری حقیقت‌تان ضرر می‌بیند، و خودتان را هم محدود می‌کند. این خوب نیست.

**پرسش:** آیا درست است که فقط کسانی که فا را قبل از پایان سال ۲۰۰۲ به دست آوردند "مریدان دافای دوره‌ی اصلاح-فا" در نظر گرفته می‌شوند؟

**معلم:** هرگز چنین حرفی نزده‌ام. آن خوب‌هایشان... آیا در هر کدام از دوره‌های زمانی مختلف عده‌ای وارد نشده‌اند؟ در اصل، باز هم کسانی هستند که می‌خواهند وارد شوند ولی هنوز وارد نشده‌اند، و البته آنهایی که سقوط کرده‌اند هم هستند.

**پرسش:** ما باید واقعیت‌ها را برای مردم چین روشن کنیم. ولی والدینم در چین نمی‌گذارند با تلفن واقعیت‌های مربوط به دافا را روشن کنم. همیشه به نظر می‌رسد که یک جای کار ایراد دارد ولی هنوز نتوانسته‌ام آن را برطرف کنم.

**معلم:** با خرد انجامش دهید. احتمال دارد که حتی بعد از اینکه واقعاً هم تلاش کردید هنوز مؤثر واقع نشود. و احتمال هم دارد که مریدان دافای داخل چین انجامش دهند. اگر شما نتوانید انجامش دهید، آنها انجامش می‌دهند. مریدان دافای داخل چین مثل گل‌هایی که همه‌جا را پر می‌کنند این کار را انجام داده‌اند. بدنه‌ی اصلی مریدان دافای دوره‌ی اصلاح-فا در چین است. می‌توانم به شما بگویم که ۱۰۰ میلیون نفری که درباره‌ی آنها صحبت کرده‌ام همان ۱۰۰ میلیون نفر داخل و خارج چین که امروز درباره‌ی آنها صحبت می‌کنید نیستند. واقعاً قبلاً ۱۰۰ میلیون نفر در چین بودند که جوآن فالون را می‌خواندند. آنها آن موقع فا را به دست آورده بودند، و من از آنها مراقبت می‌کردم. نمی‌توانید بگویید که مرید دافا نبودند. ۷۰ میلیون نفر بودند که تزکیه‌ی واقعی انجام می‌دادند، و آن وقت‌ها جمعاً در واقع ۱۰۰ میلیون مرید دافا وجود داشت.

**پرسش:** وقتی مقاله‌های جدیدی از استاد به او می‌دهم آنها را می‌گیرد. ولی قبول نمی‌کند که در هیچ فعالیتی برای پخش فا شرکت کند. آیا برای چنین شاگردی امیدی هست؟

**معلم:** احتمالاً او هنوز در جایی گیری دارد. از آنجا که هنوز آنها را از شما می‌گیرد این معنی را می‌دهد که هنوز افکار درست دارد. پس در این صورت، نگاه کنید و ببینید گیرش در کجاست و چه کم و کسر است. شما مرید دافا هستید، پس بروید و سعی کنید که کمی او را درک کنید و به او کمک کنید.

**پرسش:** آیا نظر شخصی یکی از اعضای انجمن فالون دافا، مثلاً نظر و نتیجه‌گیری‌اش در مورد یک هم‌تمرین‌کننده، معرف نظر انجمن دافا یا حتی نظر استاد است؟ استاد ارجمند، لطفاً این موضوع را برایم روشن کنید.

**معلم:** هیچ کسی نمی‌تواند معرف من باشد - این که بدیهی است. و در بین شما، هیچ کسی نمی‌تواند معرف شخص دیگری باشد. در مورد انجمن‌های دافا، گفته‌ام که هماهنگی خیلی مهم است. خیلی از چیزها هستند که از دیدگاه دیگری نمی‌شود گفته شوند، و لازم است که آنان آنها را بگویند. ولی مطمئناً چیزهایی هست که خوب انجام نداده‌اند، و استاد به‌خوبی از آنها اطلاع دارد. ولی از سوی دیگر، در مورد خیلی چیزها باید نقشی که خودتان در آنها داشته‌اید را در نظر بگیرید، و ببینید که آن وضع ناجور دقیقاً چطور پیش آمد. روی یک خدا هیچ چیز تأثیر نمی‌گذارد. اگر کاری باید انجام شود، صرفاً به شکلی درست و باوقار آن را انجام دهید.

پرسش: اعضای خانواده‌ی یک مرید دافا به دافا تهمت زده‌اند. آیا وقتی که فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند آنها هدف از بین رفتن قرار می‌گیرند؟ یا اینکه مربوط به رفتار آن مرید خواهد بود؟

**معلم:** به انتخابی بستگی خواهد داشت که خودشان می‌کنند. وقتی کسی به فا صدمه زده است و کاملاً پلید شده است، آیا می‌گویید باید او را به کمال رساند و به دنیای یک بودا برد؟ نمی‌شود. به آنهایی که واقعاً گناهان جدی‌ای مرتکب شده‌اند اجازه داده نخواهد شد که باقی بمانند. به خاطر این که شما دافا را تزکیه می‌کنید آنها مسلماً برکت‌هایی خواهند داشت. به آنها فرصت داده می‌شود، فرصت‌های دیگر، و باز هم فرصت‌هایی دیگر. ولی از طرفی، باید تمام سعی‌تان را کنید که واقعیت‌ها را روشن کنید و نجات‌شان دهید، و این برای‌شان برکت‌هایی می‌سازد.

پرسش: معلم، ماایلم از طرف همه‌ی مریدان دافا در شهر هیزه از استان شان‌دونگ به شما درود برسانم.  
**معلم:** متشکرم! (تشویق)

پرسش: خیلی از مریدان دافا در هیزه بازداشت شده و مورد ضرب و جرح قرار گرفته‌اند. آنهایی که در هیزه بازداشت شده بودند همگی از تبدیل شدن سر باز زده‌اند و به اردوگاه‌های کار اجباری در شهر جینان فرستاده شده‌اند. آیا این نظم و ترتیب نیروهای کهن است؟

**معلم:** من چیزهایی مثل "تبدیل شدن" یا "تبدیل نشدن" را به رسمیت نمی‌شناسم. به چیزی که در ذهن افراد است باید نگاه کرد. باز فکر می‌کنم که... آیا می‌دانید که نیروهای کهن برای اینکه آنها را تبدیل کنند زیر شکنجه‌ی ذهنی شدیدی قرارشان داده‌اند؟ می‌دانند که من آن را تصدیق نمی‌کنم، بنابراین چه روشی به کار می‌برند؟ سمتی از آنها را که افکار درست دارد، یا به عبارتی، سمتی که کامل تزکیه شده است، را جدا می‌کنند و جلوی اینکه هرگونه تماسی با ذهن آنها داشته باشد را می‌گیرند. بعد، از سطح و ظاهر بشری‌شان سؤال می‌کنند. اما سطح بشری آنها چیزهای بشری و پنداشت‌های پس‌زادی خیلی زیادی دارد، و سمتی که کامل تزکیه شده است اجازه هیچ گونه اثرگذاری ندارد. چون آنها را زیر چنین شرایطی شکنجه کرده‌اید هر چیزی هم که مجبورشان کرده باشید بنویسند به رسمیت نمی‌شناسم. نیروهای کهن می‌دانند که این را به رسمیت نمی‌شناسم، پس چرا باز هم این کار را انجام می‌دهند؟ زیرا یک چیز هست که هنوز می‌توانند به آن برسند، و آن این است که می‌خواهند اراده‌ی آن شاگرد را خرد کنند. شاگردانی که آن اشتباه را کرده‌اند فکر می‌کنند، "آه نه، آن را نوشتم. کار من دیگر تمام است. استاد دیگر نمی‌تواند از من مراقبت کند. من مایه‌ی سرافکندگی دافا هستم". از آن به بعد دیگر دل گرفته و غمگین می‌شوند. این ترفندی است که به کار برده‌اند و من آن را به رسمیت نمی‌شناسم. عیب ندارد که زمین خورده‌اید، عیبی ندارد! سریع بلند شوید! (تشویق)

پرسش: مریدان دافا در شهر هاربین به استاد درود می‌فرستند.  
**معلم:** متشکرم! (تشویق)

پرسش: مریدان دافایی که به طور غیرقانونی در اردوگاه کار اجباری \*\*\*\* زندانی شده‌اند به استاد درود می‌فرستند!  
**معلم:** آن دخمه‌ی تاریک خیلی شیطانی است، می‌دانم! جداً حقیقت دارد که شاگردان بهتر و بهتر شده‌اند، و معقول و معقول‌تر هستند. بگذارید فعلاً درباره‌ی چیزهایی که در چین اتفاق می‌افتد صحبت نکنیم. (تشویق) وقتی در آن باره شروع به صحبت کنیم داستانی بلند خواهد بود. هر چیزی هم که باشد، چیزی که منتظر آن افراد شیطانی است گناهانی است که هیچ‌وقت نمی‌توانند تاوانش را پس دهند، و چیزی که منتظر مریدان دافا است کمال باشکوه و پر عظمت است! (تشویق)

پرسش: این اواخر این را درک کرده‌ام؛ هر وقت در خصوص کار دافا تضادی بین مریدان دافا پیش می‌آید، اول باید افکار درست بفرستیم تا آن نیروهای شیطانی را که از وابستگی‌ها و پنداشت‌های بد شاگردان برای شکنجه‌ی کلی مریدان دافا استفاده



می‌کنند از بین ببریم، و بعد در مورد مسائل خاص مربوط به کارمان صحبت کنیم. آیا صحیح است که کارها را این‌طور انجام داد؟

**معلم:** فکر می‌کنم که وقتی مریدان دافا با تضاد روبرو می‌شوند، ضرورتاً نتیجه‌ی چیزی نیست که توسط اهریمن‌ها کنترل شود. آنها مداخله خواهند کرد، و اشکال ندارد که افکار درست بفرستید، اما باید فا را خیلی مطالعه کنید. اگر قبل از انجام کارها افکار درست بفرستید، خوب، درست است که این می‌تواند تا قسمتی مداخله را از بین ببرد.

**پرسش:** من مریدی هستم که فا را بعد از ۲۰ ژوئیه‌ی ۱۹۹۹ به دست آورده‌ام. در جریان تزکیه کردن، از بعدهای دیگر مداخله‌ی زیادی با من شده است، حتی شکنجه‌ی کاملاً بی‌اساس از طرف نیروهای شیطانی. چرا این‌طور است که موقعی که از افکار درست استفاده می‌کنم که این شکنجه و آزار را از بین ببرم هیچ‌گاه نمی‌توانم کاملاً ثابت‌قدم باشم و همیشه به نظر می‌رسد که مسائلی دارم که لازم است در آنها بهتر شوم؟

**معلم:** چطور بگویم... این اتفاق برای این می‌افتد که آن مریدان دافایی که فا را بعد از ۲۰ ژوئیه‌ی ۱۹۹۹ به دست آوردند، برای شما روند تزکیه و اعتباربخشی به فا با هم ادغام شده است. درحالی که برای آنهايي که فا را زودتر به دست آوردند، مدت زمان تزکیه‌ی شخصی آنها قبل از این گذشته است، و درحال حاضر وظیفه‌ی اصلی آنها نجات موجودات ذی‌شعور است، تمرکز منتقل شده است به اعتباربخشی به فا. افرادی که بعداً وارد شدند و به وضعیت اعتباربخشیدن به فا برخوردند نیز باید آن را انجام دهند، و از طرفی بعضی موضوع‌های تزکیه‌ی شخصی هم با آن مخلوط است. بنابراین احساس می‌کنید که بعضی چیزها نسبتاً پیچیده به نظر می‌آیند، ولی اشکالی ندارد، چون امور از نظر استاد مرتب و منظم‌اند، و اگر افکار درست شما قوی باشند مشکلی نیست.

**پرسش:** آیا در این مرحله، فرستادن افکار درست می‌تواند جای تمرین کردن را بگیرد؟

**معلم:** اینها دو چیز مختلف هستند. (معلم می‌خندد) تمرین کردن تمرین کردن است. تمرین کردن برای تقویت مکانیزم‌ها و تبدیل بدن مادرزادی به یک بدن خدایی است. فرستادن افکار درست استفاده کردن از قدرت‌های خدایی است، یا ساده بگویم، استفاده از توانایی‌هایتان. هدفش از بین بردن اشباح پوسیده‌ی شیطانی است.

**پرسش:** استاد محترم، درود! شاگردان زیادی هستند که برای کوچک‌ترین چیزی از افکار درست استفاده می‌کنند که شیطان را از بین ببرند. حتی وقتی ناراحتی‌های جزئی و بیماری‌های کوچکی دارند افکار درست می‌فرستند.

**معلم:** شاید خودتان فا را به اندازه‌ی کافی مطالعه نکرده باشید؟ اگر واقعاً اشتباهی کرده باشید و بعد در نتیجه‌اش مشکلی پیش بیاید، و بروید و افکار درست بفرستید، آن وقت درست به نظر نمی‌رسد، و نیروهای کهن دردسر درست می‌کنند. فکر می‌کنند که نه فقط ضعیف عمل کرده‌اید، بلکه تازه می‌خواهید آنها را از بین ببرید. همین‌طور به نظر می‌رسد، نه؟ پس باز باید بهترین سعی‌تان را کنید که ببینید امور را خوب انجام داده‌اید یا نه. اگر امور را خوب انجام نداده‌اید، بروید خوب انجام‌شان دهید. ولی در پرسش‌تان گفتید، "حتی وقتی ناراحتی‌های جزئی و بیماری‌های کوچکی دارند". منظورتان از "ناراحتی‌های جزئی" و "بیماری‌های کوچک" چیست؟ اینها نشانه‌ی از بین رفتن کارما هستند، درست است؟

**پرسش:** در مدت ماه‌های اولی که شروع به فرستادن افکار درست کردم، یک‌بار هنگام فرستادن افکار درست با چشم سومم به‌وضوح دیدم که در مدت فقط پنج دقیقه، یک نور قوی که رنگش بین بنفش و قرمز بود در یک آن همه‌ی چیزهای آن سرده‌ی بزرگ اهریمن در چین را، که هم انسان به نظر می‌آمد و هم غیرانسان، از بین برد. قدرت آن [نور] غیرقابل توصیف بود. آیا چیزی که از بین رفت فقط نمایشی از آن در بعد ما بود؟ آیا در تک تک بعدها نمایشی از آن هست؟

**معلم:** خیلی پیچیده است. بعضی وقت‌ها شما مریدان واقعاً می‌توانید مستقیماً اشباح پوسیده‌ی درون بدن آن سردسته‌ی بزرگ اهریمن را از بین ببرید. در آن مواقع به نظر می‌رسد که نزدیک است بمیرد، اما بعد دوباره شروع به زنده کردنش می‌کنند، و بعد دسته‌ای دیگر از اشباح پوسیده آن را پر می‌کنند، بنابراین برمی‌گردد، انگار که هیچ اتفاقی نیفتاده بود. همچنین، برای اینکه بتواند تمام اشباح پوسیده را کنترل کند، نیروهای کهن، آن‌قبل‌ها تمام ذرات سلول‌هایش که بدن بشری زیر سطح‌وظاهرش را می‌سازند تا نقطه‌ای تقویت کردند که آن ذرات به بزرگی سه‌قلمرو بودند. تمام چیزهای بشری درون سلول‌هایش را نیروهای کهن درآورده‌اند و به جهنم انداخته‌اند، و سلول‌ها را با آن اشباح پوسیده از نو پر کردند. از آنجا که ذرات یک انسان شکل همان فرد را دارند، تمام بعدهای سه‌قلمرو سلول‌های سردسته‌ی اهریمن را در خود داشتند، و تمام سلول‌ها تعداد بسیار زیادی از اشباح پوسیده درون‌شان بود. برای همین، وقتی شما مریدان در آن زمان‌ها افکار درست فرستادید توانستید تعداد بسیار زیادی از ذرات سردسته‌ی بزرگ اهریمن و اشباح پوسیده در سه‌قلمرو را از بین ببرید. در لحظه‌ای که درحال از بین بردن و منفجر کردن آن بودید می‌دیدید که نابود شده است، و درست می‌دیدید. درحال حاضر آن را به چه وضعی کشانده‌اید؟ همه‌چیز جز ذراتی که ظاهر بشری‌اش را شکل می‌دهند از بین رفته‌اند و درحال حاضر خالی است. هیچ چیز باقی نمانده است. چیزی که باقی است فقط پوسته‌ی بشری است که از لایه‌ای از سلول‌های سطحی ساخته شده است، که شامل اندام‌های داخلی هم می‌شود. و دلیلش این است که تمام ذرات سلولی داخل سه‌قلمروی سردسته‌ی اهریمن که نیروهای کهن تقویت کرده بودند از بین رفته است، و در بالا و پایین، هیچ چیز از آن نمانده است، و تمام‌شان پاک‌سازی شده‌اند. درحال حاضر این پوسته‌ی بشری را آن آخرین و بدترین اهریمن‌های نیروهای کهن تقویت می‌کنند. بنابراین دیگر هیچ چیز از عقلانیت طبیعی یک انسان ندارد. همه چیز از آن اشباح پوسیده‌ای ناشی می‌شود که پوسته‌ی انسانی‌اش را کنترل می‌کنند، [پوسته‌ی انسانی‌ای] که واقعاً مثل لایه‌ای پوست است که نقاشی شده باشد. تمام پنداشتها و کارمای آن فرد بد که ظاهر پوسته‌ی بشری‌اش در جریان زندگی‌اش تولید کرده است حالا خیلی هراسان به نظر می‌رسند. چیزی که نشان می‌دهد صرفاً ترس است. از عواقب از دست دادن قدرت می‌ترسد، از اعاده شدن نام فالون گونگ می‌ترسد، از کشته شدن می‌ترسد، از مصادره شدن پول و اموال هنگفتی که خانواده‌اش اختلاس کرده‌اند می‌ترسد - از همه چیز می‌ترسد. ولی شیطان آن سمت دیگرش هیچ حسی جز نفرت ندارد. می‌تواند ببیند که دیگر امیدی نیست، و احساس نفرت می‌کند، با این حال نمی‌تواند انرژی خیلی زیادی جمع کند. می‌داند که کارش تمام شده است. احساس نفرت می‌کند ولی همین‌طور هم می‌ترسد، و باید خودش را مجبور کند که پیش چشم مردم با انرژی رفتار کند، و سعی می‌کند که با چنگ‌و‌دندان نمایش را ادامه دهد. این وضعی است که درحال حاضر دارد. قبلاًها که ذرات سلول‌هایش آن همه تقویت شدند، و درونش از اشباح پوسیده پر شد، انرژی شیطان واقعاً بیدار می‌کرد، و بدنش طوری تقویت شده بود که حس می‌کرد بزرگ‌تر و بزرگ‌تر می‌شود؛ حس می‌کرد بدنی سالم و انرژی‌ای قوی دارد. همین‌طور دل و جرأت پیدا کرد و قیافه‌اش چنان وحشت‌انگیز بود که دور و اطرافیانش واقعاً از آن می‌ترسیدند. حالا مثل بادنجان‌ی است بعد از یخبندان، پر از چین و چروک است، و تمام چیزهای داخلش دور ریخته شده‌اند. هر چه مریدان دافا افکار درست بیشتری بفرستند تعداد اشباح پوسیده‌ی درون بدنش کمتر می‌شود، چروکیده‌تر می‌شود، و بدنش کوچک‌تر می‌شود، چون غیر از پوسته‌ی بشری‌اش هیچ چیز از ذرات میکروسکوپی‌اش باقی نمانده است.

پرسش: مریدان از دانشگاه دوم فرماندهی نظامی، تورنتو، پینگ‌شیانگ استان جیانگ‌شی، شهر چونگ‌چینگ، پرو، چین، ماکائو، ایالات متحده، شهر هاربین، استان شان‌دونگ، شهر جینان، شهر کن‌مینگ، استرالیا، شهر دالیان، مریدان آزاد شده از زندان در شهر جیاموسی، مریدان از آلمان، مرکز بازداشت \*\*\* در شهر شی‌جیاوانگ، استان شان‌دونگ، شهر هزه، تیان‌جین، استان شین‌جیانگ، شهر هنگ‌یانگ، و شهر چانگ‌چون - این مریدان به استاد درود می‌فرستند.

**معلم:** متشکرم! (تشویق)

پرسش: این اواخر که جوآن فالون را مطالعه می کرده‌ام، دیگر حس نمی‌کنم که هر بار که خواندن کتاب را به آخر می‌رسانم درک‌های جدیدی پیدا کرده و پیشرفت می‌کنم.

معلم: ارتفاع شین‌شینگ فرد هر قدر باشد ارتفاع گونگ او همان قدر است. باید دلیلی وجود داشته باشد. آیا علتش این است که ذهن‌تان آرام نیست؟ به‌نظرم باید دلیلی وجود داشته باشد. در سطوح بالاتر الزامات هم بالاترند.

پرسش: ممکن است به ما بگویید که وقتی از دوره‌ی اصلاح-فا به دوره‌ی که فاندنیای انسانی را اصلاح می‌کند گذر می‌شود روند آغازین چیست؟

معلم: می‌توانم به شما بگویم، روندی که تصور کرده‌اید در کار نیست، اصلاً. می‌توانم به شما بگویم که نیروی عظیم اصلاح دنیای بشری توسط فا چیزی است که نیروهای کهن قبلاً نمی‌توانستند ببینند. حالا که آن را دیده‌اند تمام وجودشان را ترس گرفته است. برای همین، بسیاری از آن خدایانی که نیروهای کهن نظم و ترتیب دادند که کارهای خاصی انجام دهند حالا جرأت انجام آنها را ندارند. چیزی که در اوضاع کنونی متجلی می‌شود این است که اشباح پوسیده به انجام کارهای بد ادامه می‌دهند. وقتی اصلاح دنیای بشری توسط فا برسد تمام این چیزها تمام است. روندی در کار نیست. در زمان اصلاح توسط فا، در زمانی که گونگ می‌رسد، پدیده‌ی خاصی وجود خواهد داشت. چه پدیده‌ای؟ قبلاً به شما گفته‌ام که هر چیزی که انسان‌ها با چشمان‌شان می‌بینند از مولکول ساخته شده است. بنابراین اگر در این لایه‌ی مولکولی شکافی باز می‌شود یا پارگی‌ای ایجاد می‌شود - در هر جایی هم که بود - چه می‌دیدید؟ آسمان‌ها را می‌دیدید، دقیقاً مثل این بود که پرده‌ی یک سالن نمایش ناگهان شکافته شود یا شکافی در آن باز شود، اما نمی‌شود این بُعد تباه شود چراکه هنوز اصلاح دنیای بشری توسط فا باید انجام شود. یا، امکان دارد که از تمام سطوح میکروسکوپی به داخل [این بُعد] نفوذ کند.

پرسش: آیا نیروهای کهن، گذشته از وابسته بودن به نظم و ترتیب‌هایشان نواقص دیگری هم دارند؟

معلم: به غیر از وابسته بودن به هر چیزی که می‌خواهند اتفاق بیفتد چیز دیگری در موردشان نیست. فقط می‌خواهند که چیزهایی را که اول داشتند حفظ کنند، و فقط همین یک قصد را دارند.

پرسش: آیا هیچ مرید دافای دوره‌ی اصلاح فایی جا خواهد ماند؟

معلم: نه. (تشویق بلند) اگر شما را جا می‌گذاشتم تباه می‌شدید، واقعاً تباه می‌شدید. چون اگر کسی پیشروی نکند پسروی می‌کند. وقتی در این محیط ناگهان به آن وضعیت نائل می‌شدید، آن وقت در این محیط تا زمانی که این‌جا بین انسان‌ها بودید و موقع انجام کارها با انسان‌ها مخلوط بودید سطح‌تان پایین می‌آمد و رفته‌رفته توسط انسان‌ها آلوده می‌شدید. آیا نگفته‌ام که بودایان آسمان‌ها و بودایان، دائوها، و خدایان بعدهایی خاص باید در فواصل زمانی معین جایگزین شوند؟ علتش این است که به راحتی می‌شود سه‌قلمرو آلوده‌شان کند، بنابراین لازم است جایگزین شوند.

پرسش: استاد گران‌قدر، لطفاً به ما بگویید که کودکان‌های مینگ‌هوپی در چه مسیری باید باشند.

معلم: شما کارتان را عالی انجام داده‌اید! می‌دانید، آن سردسته‌ی بزرگ اهریمن به بچه‌های کوچک مهدکودک‌های چین سم تزریق می‌کند، خیلی پلید است! واقعاً می‌خواهد که نسل بشر را از بین ببرد! وقتی می‌بیند کارها را این‌طور انجام می‌دهیم خشمگین می‌شود. در حقیقت، در دولت قبلی چین، در بین رهبری مرکزی، از هفت عضو کمیته‌ی دائم شش نفرشان مخالف شکنجه‌ی فالون گونگ بودند. این را هم می‌دانم که حتی رئیس اداره‌ی ۶۱۰ نیز، که در حال شکنجه و آزار فالون گونگ بوده است، اول مخالف شکنجه و آزار بود. تقریباً تمام نهادهای دولتی مرکزی و وزارتخانه‌های مختلف دولت مخالف شکنجه و آزار فالون گونگ بودند.

پرسش: نیروهای کهن هنگام شرکت در این اصلاح- فا برای زمان دو زمین به نظم و ترتیب پرداختند. چرا باید در زمین دوم با غول‌ها، کوتوله‌ها، و آدم‌های متوسط آزمایش صورت می‌گرفت؟ ممکن است بپرسم در زمین اول چه نوع افرادی را نظم و ترتیب دادند؟

**معلم:** وقتی این آزمایش در این جایی که ما هستیم مشغول انجام بود برای سه نوع از مردم نظم و ترتیب به عمل آمد. در زمین اول پنج نوع از مردم نظم و ترتیب داده شدند. وقتی داستان آن زمین سرانجام به آخر رسید سه نوع از مردم باقی ماندند. این دفعه، از همان اول فقط سه نوع وجود داشتند. آنها پیوسته آن چه را که می‌خواستند اتفاق بیفتد بررسی می‌کردند و فقط قبل از اینکه اصلاح- فا در پیش بود تصمیم آخر را گرفتند.

پرسش: پرسش من این است: وقتی افکار درست می‌فرستیم، آیا موجودات شیطانی سطح پایینی که از بین می‌بریم نیز در همان حال که از بین می‌روند جایشان از نو پر می‌شود؟

**معلم:** بعدها را بدن‌های کیهانی‌ای که از بیرون آمدند بسیار پیچیده کرده‌اند. آنها حتی ذرات را بخش‌بخش کرده‌اند. شما واقعاً آنها را از بین می‌برید. اما چیزی که از بین می‌رود فقط یک قسمت بخش شده است. در مدت اصلاح- فا وقتی لایه‌ای از موجودات بسیار بزرگ را پاک‌سازی می‌کنم دسته‌ای دیگر از اشباح پوسیده در معرض دید قرار می‌گیرند، و برای همین است که انگار هیچ وقت نمی‌شود کامل پاک‌سازی شوند. ولی در اصل، پاک‌سازی‌مان در مقیاس بزرگ و با سرعت زیاد انجام می‌شود. و علاوه بر این، تعداد کل چیزهایی که پاک‌سازی شده‌اند بسیار زیاد است. می‌توانیم این را از وضعیت کلی اصلاح- فا ببینیم: قبلاً، هر ساقه‌ی علف و هر درخت، زیر کنترل موجودات شیطانی بود، تقریباً تا جایی که حتی ذرات هوا هم زیر کنترل آنها بودند. حتی نفس کشیدن هم برای‌تان سخت بود. حالا امور فرق کرده است. مردم در حال بیدار شدن هستند، و اشباح پوسیده‌ی زیادی باقی نمانده‌اند که مردم را کنترل کنند. چه تغییر عظیمی!

پرسش: بیست و دوم ژانویه یکی از مریدان دافای ایالات متحده در فرودگاه گوانگ‌ژو بازداشت شد...

**معلم:** چون شما مرید دافا هستید، وقتی مشکلی هست همه باید یکی و همراه با هم کار کنید. از آنجا که ترسی ندارند که اعمال زشت‌شان به انظار عمومی کشیده شود باید تمام‌شان را برای کل دنیا افشا کنیم، و بگذاریم تمام مردم آمریکا بدانند که یک شهروند ایالات متحده بازداشت شده است. از آنجا که ترسی ندارند که اعمال زشت‌شان به انظار عمومی کشیده شود باید برویم و این کارها را انجام دهیم. هر روزی که آزادش نکنند روز دیگری است که آنها را افشا کنیم. (تشویق بلند)

پرسش: گاهی اوقات برایم معلوم است که نیروهای کهن چه هستند و گاهی اوقات معلوم نیست.

**معلم:** آنها فقط آن بیست درصد موجودات کیهان هستند، و نظم و ترتیب داده شدند که در امور من شرکت کنند. آنها در تاریخ نظم و ترتیب‌های سیستماتیک زیادی دادند، و من در خیلی از نظم و ترتیب‌هایشان در تاریخ شرکت کردم. اگر آن زمان‌ها در آنها شرکت نمی‌کردم شخص دیگری را انتخاب می‌کردند، و وقت اصلاح- فا مشکلات حتی بیشتری پیش می‌آمد. فردی دیگر را برای اصلاح کردن فا انتخاب می‌کردند. آن وقت موقعی که زمان اصلاح کردن فا بود و شروع به انجام کارها می‌کردم، از تمام موجودات در کل کیهان استفاده می‌کردند که به دنبال من بیایند. اگر آنها را از بین می‌بردم چگونه می‌توانستم نجات‌شان بدهم؟ اینکه اصلاح- فا واقعاً شبیه چیست را حتی یک موجود هم امکان ندارد بداند. هر کسی که می‌دانست از آن فرار می‌کرد، و این چیزی است که کیهان نمی‌تواند مجاز بداند. چه رسد به اینکه اجازه دهد موجودات کیهان نحوه‌ی اجرای اصلاح- فا را انتخاب کنند.

پرسش: تازگی‌ها زوجی که هر دویشان مرید دافا هستند صاحب بچه‌ای شدند که به نظر می‌رسد سختی بسیاری دارد و ناقص متولد شده است. این وضعیت را چطور باید ببینیم؟

**معلم:** امور در این زمان بسیار پیچیده‌اند. چون فرزند شماست باید با مهر و محبت به او برسید و تمام سعی‌تان را در مراقبت از او به کار ببرید. اما فکرتان آسوده باشد. تا وقتی که بتوانید تا کمال تزکیه کنید همه چیز به بهترین صورت ختم می‌شود (تشویق) - این برای تزکیه‌کنندگان و مریدان دافا ساخته شده است. ولی، اگر نتوانید به کمال برسید، آن وقت همه‌چیز بیهوده بوده است.

**پرسش:** استاد به ما گفته‌اند که بدنه‌ی اصلی دافا در چین است. مریدان دافا در خیلی از جاهای چین هستند. ما چگونه می‌توانیم در رشد کردن با هم بهتر عمل کنیم؟

**معلم:** لازم نیست نگران این بود. همگی قادرند در مورد وب‌سایت مینگ‌هوئی بدانند. مریدان دافا در مناطق دوردست همگی با همدیگر در تماس بوده و اطلاعات بین‌شان منتقل می‌شود.

**پرسش:** کمی قبل‌تر استاد گران‌قدر گفتند که کسانی که به‌هنگام شکنجه شدن تا آن‌جایی که دیگر متوجه نبودند، تعهدهایی نوشتند هنوز فرصت دارند. اما هر طور هم که باشد، من نمی‌توانم آن افرادی در چین را که به استاد خیانت کرده‌اند ببخشم. این طور نیست که کارهایی که نباید می‌کردند را کردند چون نمی‌توانستند شکنجه را تاب بیاورند. آنها در واقع از شیطان جانبداری کرده و شکنجه و آزار را بدتر کردند.

**معلم:** بله، وقتی آنها تا آنجا جلو رفته‌اند مشکل بتوان گفت چه اتفاقی بیفتد. گفته‌ام که می‌خواهم همه را نجات دهم. اما اگر گناه بسیار بزرگی مرتکب شده باشید، آن موقع از فایده‌ی قضاوت درباره‌ی شما استفاده می‌شود، و کار دیگری نمی‌شود برای شما کرد. برای حفاظت از فایده‌ی خواهی و ایستادگی باوقار همراه هم وجود دارند. اما نیروهای کهن عمداً برای عده‌ای نظم و ترتیب دادند که بیایند و کارها را آن‌طور انجام دهند، بنابراین خیلی پیچیده است. قبل از ۲۰ ژوئیه‌ی ۱۹۹۹ بعضی‌ها کاملاً فعال به نظر می‌رسیدند، اما وقتی شکنجه شروع شد مشتاقانه‌تر از هر کس دیگری در شکنجه شرکت کردند. این اتفاق برای این افتاد که وضعیت کلی را برای شاگردان پیچیده‌تر کند.

**پرسش:** استاد، لطفاً به ما بگویید که آیا وضعیت‌هایی هست که از داخل تصویر بودایی شما نیز عبور کنند؟

**معلم:** می‌توانم به شما بگویم که آنها سعی ندارند کاری با من انجام دهند. آنها وابستگی‌های شاگردان را هدف می‌گیرند. اگر واقعاً درست عمل کنید مطلقاً جرأت نمی‌کنند همین‌طوری دست به آن کارها بزنند، چون که آن، بدن قانون مرا روی خود دارد. مخصوصاً در مورد نیروهای کهن، آیا این را می‌دانستید: اصلاح - فای آنها بستگی کامل به من دارد، آنها به من احترام می‌گذارند، و آن محنت‌ها برای شما ساخته شده‌اند، نه من. اما اگر بتوانید آن چیزها را با افکار درست اداره کنید مورد مداخله قرار نمی‌گیرید. واقعیتش این است که در خیلی موارد دلیل پشتش این است که پای وابستگی‌ها بتان در کار است.

همین چند لحظه قبل گفتم که این طور نیست که نیروهای کهن بخواهند کیهان را نابود کنند. آنها فقط می‌خواهند که هر چیزی را به شکل اولش حفظ کنند. بنابراین، از نظر بدن‌های قانون من [که بگوییم]، فرق نمی‌کند نیروهای کهن باشند یا خدایان صالح، بدن‌های قانون من مشغول مراقبت از همه چیز هستند. فقط وقتی شما، مریدان دافا، خودتان را خوب اداره نکنید جرأت می‌کنند کارهایی کنند. آن موقع است که بهانه‌ای برای هدف قرار دادن شما دارند. در شرایط عادی جرأت ندارند دست به چنان کارهایی بزنند. هرچند وضعیتی که قبل‌تر توصیفش کردم وجود دارد، پدیده‌ی انگشت‌شماری است، بسیار انگشت‌شمار. اگر این پدیده حتی یک یا دو بار هم اتفاق بیفتد پیامدهایش بسیار بزرگ هستند. برای همین است که گفتم آنها به‌محض رؤیت شدن نابود می‌شدند. صرف‌نظر از اینکه این کار را به‌عمد انجام دادند یا غیرعمد، به‌محض رؤیت شدن نابود شدند، چراکه گناه شکنجه کردن افکار درست و ایمان درست مریدان دافا را مرتکب شدند. بنابراین، حتی اگر بتوانند کارشان را توجیه کنند، باز هم موقع انجام آن کارها خیلی با ترس و دلهره عمل می‌کنند. واقعیتش این است که از قبل از این در حال از بین بردن و خاتمه دادن این نوع جریان هستیم.

بعضی شاگردان دیده‌اند که نیروهای کهن دست به کارهای بدی می‌زنند و چیزهای بدی به بدن من می‌آورند. بعضی شاگردان می‌توانند این را ببینند. چیزی که بیشتر نگرانم می‌کند این است که روی شما ممکن است تأثیر بگذارد! چون، شما می‌دیدید که انگار چیزی بد در بدن استاد بود. آیا متوجه می‌شوید که آن چیزها مال شما هستند؟! به جای شما زجر می‌کشم. ( تشویق بلند) وگرنه چه کسی جرأت می‌کرد چیزی طرف من بیاورد؟ این اتفاق برای این می‌افتد که درحال محافظت از شما هستم، و یک نفر باید آن [چیزها] را از بین ببرد.

**پرسش:** چگونه می‌توانیم مؤثرتر در مقیاس بزرگ حقیقت را روشن کنیم و موجودات ذی‌شعور را نجات دهیم؟ چگونه می‌توانیم کاری کنیم که روزنامه‌ها و تلویزیون‌مان تأثیر بزرگ‌تری داشته باشند؟

**معلم:** همه‌ی اینها موضوعات خاص هستند. در حقیقت شما کارتان کاملاً خوب است. باید به انجام این کارها ادامه دهید و راه‌هایی پیدا کنید که به بهبودشان ادامه دهید. این نیز رفتن در مسیر مریدان دافا و بنا کردن تقوای عظیم‌تان با نجات مردم دنیاست.

**پرسش:** وقتی افکار درست می‌فرستیم که مشکلات درون خودمان را از بین ببریم، آیا همچنین درحال از بین بردن نیروهای کهنی هستیم که از داخل بدن مان عبور می‌کنند؟

**معلم:** وقتی افکار درست می‌فرستید فقط محدود به چیزهایی که درون بدن‌تان است نمی‌شود، همه‌ی چیزهایی را که درون محدوده‌تان هستند فراری می‌دهد. بنابراین آیا این خوب است که فقط مدام افکار درست فرستاد که مانع آمدن آنها شد و هیچ کار دیگری نکرد؟ چیزی که می‌گویم این است که آنها دیگر در شرایط عادی جرأت آمدن ندارند، ولی اگر زیادی در موردش فکر کنید وابستگی می‌شود. بعدها دیگر هم‌زمان وجود دارند. وقتی موجودات آن بعدها دیگر به سمت شما می‌آیند و از داخل شما رد می‌شوند چیزی حس نمی‌کنید. بعدها این‌طور وجود دارند. ساختار کیهان صرفاً همین‌طوری است، و این تأثیری روی شما نخواهد گذاشت. چون موضوع ساختار به میان آمده است، مطلبی به شما می‌گویم که از شنیدنش خوش‌تان می‌آید. ( تشویق بلند)

می‌دانید که گیاهان، جانوران، و چیزهای گوناگون خیلی خیلی زیادی روی زمین هست. مشخص بگوییم، می‌دانید که سیب، موز، پرتقال، و انگور وجود دارد، می‌دانید که ببر، شیر، خرگوش، و بز وجود دارد، و می‌دانید که انواع مختلف خیلی خیلی زیادی از درختان، گیاهان، و گل‌ها هست. بعدها دیگر هم آن چیزها را دارند. بدن‌های کیهانی بسیار دوری که هم‌سطح با زمین بوده و شبیه زمین هستند نیز آن چیزها را دارند. ذره‌های سطح‌پایین‌تر، ذراتی را می‌سازند که یک سطح بالاتر هستند. آن ذره‌های بزرگ‌تر نیز این جانوران، گیاهان، و چیزهای گوناگون را روی خود دارند. سیب در آسمان‌ها این‌قدر بزرگ است که ممکن است حتی بزرگ‌تر از یک سیاره باشد. آیا سیب آن سیاره‌های سطح‌پایین، ذره‌ای در درون ذره‌های سطح‌بالای آن سیب بزرگ است؟ جواب مثبت است. روی زمین شیر هست، در آسمان‌ها هم شیر هست، و در سطوح حتی بالاتر هم شیر وجود دارد. روی زمین مردم وجود دارند، در آسمان‌ها هم مردم هستند، و مردمی حتی بزرگ‌تر وجود دارند – به قدری بزرگ که عظمت‌شان ورای مقایسه است. و موجودات پادشاه دارند، یا به عبارتی، هر موجودی یک پادشاه دارد. پادشاه یک موجود، بزرگ‌ترین لایه از آن ذره است، و هر چیزی پایین آن، روی ذراتی با اندازه‌های مختلف، برخی بزرگ و برخی کوچک، پخش هستند. موجود زنده‌ی روی کره‌ی لایه‌ی بزرگ‌ترین ذره، پادشاه تمام موجودات است، و ذراتش در تمام سطوح زیرش به نمایش در می‌آید.

پس این کیهان چه نوع وجودی است؟ بی‌شمار چیزی که به هم‌تابیده و آمیخته به هم هستند. موجودات خیلی زیادی روی زمین وجود دارند، ولی این موجودات زنده به هیچ وجه متعلق به یک پادشاه نیستند، و متعلق به یک سیستم موجودات نیستند. با این حال همگی این‌جا زندگی می‌کنند و با هم درآمیخته‌اند. ولی موجودات زنده به پادشاهان خودشان وصل هستند، و به موجودات دیگر وصل نیستند. یعنی، با اینکه در سراسر فضای کیهان با همدیگر برخورد دارند و به هم می‌رسند، اما سیستم‌های مستقل خودشان را دارند و تحت حکومت پادشاهان خودشان هستند. بنابراین شیرها پادشاه خود را دارند، سیب‌ها پادشاه خود را

دارند، موزها پادشاه خود را دارند، درختان پادشاه خود را دارند، گیاهان، علف، گل‌ها - تمام چیزها - هر کدام پادشاه مربوط به خود را دارند. تمام موجوداتی که در بعدهای هم‌سطح وجود دارند به این صورت با همدیگر برخورد داشته و با هم درمی‌آمیزند. انسان‌ها از داخل موجودات بسیار عظیم عبور می‌کنند. لحظه به لحظه، عناصر زنده‌ی بی‌نهایت میکروسکوپی از داخل بدن افراد عادی شناور می‌شوند. از سطح و ظاهر شما بدن‌های قانونم و محافظان قانون مراقبت می‌کنند. و سمتی از شما که کامل تزکیه شده مهر و موم شده است. همین‌طور که کار یک لایه تمام می‌شود مهر و موم می‌شود. همین‌طور که کار لایه‌ای دیگر تمام می‌شود [آن هم] مهر و موم می‌شود. و هیچ چیز نمی‌تواند از داخل آن عبور کند. بنابراین این کیهان واقعاً پیچیده است. برای تان باز شکل دیگری از ساختار کیهان را شرح دادم. (تشویق بلند)

پرسش: به نظر من استاد بالاتر از همه چیز است و قبل از این، مسیر ما را نظم و ترتیب داده است. پس، از این دیدگاه، به نظر می‌رسد که نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن را استاد با هدف رشد ما استفاده می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد که نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن در اصل خیلی واقعی نیستند. آیا این درک درست است؟

**معلم:** نصفش درست است، زیرا آنها را به رسمیت نمی‌شناسم. اما می‌دانستم که امور را این‌طور انجام می‌دهند، بنابراین انتخابی جز این نداشتیم که با نقشه‌هایشان همراهی کنم و نقشه‌هایشان را به خودشان برگردانم. وضعیت این است.

پرسش: مریدان دافا از استان لیائونینگ، مدرسه‌ی مینگ‌هوئی تایوان، پارک مرکزی سوئد، و شهر چنگ‌دو در استان سی‌چوآن به استاد درود می‌فرستند.  
**معلم:** متشکرم! (تشویق بلند)

پرسش: وقتی افکار درست می‌فرستیم که در خودمان مشکلات را از بین ببریم، آیا همچنین درحال از بین بردن نیروهای کهنی هستیم که از داخل بدن جسمانی مریدان رد می‌شوند، و آیا ایرادی ندارد که از نیک‌خواهی استاد کپی کنیم و در ذهن‌مان برایشان حقیقت را روشن کنیم؟

**معلم:** زیادی روی شما تأثیر گذاشته است. می‌توانم به شما بگویم که این اتفاق به خاطر ساختار فضایی کیهان می‌افتد و نباید در مورد آن نگران باشید. اگر نمی‌خواهید از داخل شما رد شوند، فقط دهان‌تان را ببندید و امروز را نفس نکشید. (حضار می‌خندند) زیرا هوا نیز زنده است، و موجوداتی‌اند که هنوز فا اصلاح‌شان نکرده است. پس نگران این چیزها نباشید. انسان‌ها هزاران هزار سال همین‌طوری زندگی کرده‌اند. چرا این‌قدر سخت است که یک انسان تزکیه کند، و چرا سخت است که یک انسان خدا شود؟ زیرا کیهان کهن خردش را ندارد و نمی‌تواند این مسائل را حل کند. برای اینکه این مسائل حل شوند، کیهان باید از بالا تا پایین به طور بنیادی کامل و بی‌عیب شود. مسیر خدا شدن انسان‌های آینده محقق شده است، و این اتفاق برای این افتاده است که این تعهد باید از این‌جا انجام شود، تمام مسیر تا بالاترین مکان. (تشویق بلند) پس برای یک انسان شکل‌گیری پنداشت‌های پس‌زادی، همراه با مداخله از طرف این نوع عنصر، امور را خیلی پیچیده می‌کند. نجات مردم واقعاً سخت است! موجودات الهی قدیم نجات مردم را کاری بسیار سخت دیدند، چون این پدیده را دیدند. آیا مریدان دافا باید از این بترسند؟ به هر چیزی با افکار درست بپردازید! فقط به شما می‌گفتم که آن پدیده وجود دارد، چنان چیزی درحال وقوع است. این بخشی از ساختار کیهان است، امور این‌طورند.

پرسش: این چند وقت، موقعی که افکار درست می‌فرستم بدنم فوق‌العاده گرم می‌شود.  
**معلم:** این چیز خوبی است. احساس گرما از داشتن مقدار خیلی زیادی انرژی می‌آید. بعضی‌ها می‌توانند احساسش کنند و بعضی‌ها نمی‌توانند.

پرسش: من در سرم موج‌موج فشار حس می‌کنم، آیا این طبیعی است یا اینکه مداخله‌ی اهریمنی است؟

**معلم:** کلی بگوئیم طبیعی است. تغییرات بدن تان، بازآمدهای گونگ تان، و بالا رفتن سطح تان همگی می توانند چنین واکنشی بار بیاورند.

**پرسش:** خانمی در نیوجرسی هست که از چین آمده است. هر چهار دست و پای او سه سال پیش به خاطر یک آلودگی میکروبی قطع شدند. اما ذهنش هنوز هشیار است. یک مرید دافا کمی پایین تر از خانه ی او زندگی می کند. این مرید دافا چگونه باید به او کمک کند؟

**معلم:** مریدان دافا، مهمترین کاری که امروز لازم است انجام دهید روشن کردن واقعیت ها و نجات موجودات ذی شعور است. باید ببینید که او مسموم شده است یا نه، و اگر شده است باید بروید و با او حرف بزنید. اگر مسموم نشده است، آن وقت باید بروید هر کاری را که باید، انجام دهید. هر چه باشد دولت به ناتوانان جسمی رسیدگی می کند، پس نباید بیش از حد درباره ی آن فکر کنید. اگر زیادی به این موضوعها وابسته باشید، آن وقت می توانم به شما بگویم، می توانید دیگر تزکیه را کنار بگذارید. بداقبالی و بی عدالتی های دنیای انسان ها خیلی بی رحمانه است، و چیزهای غیرمنصفانه ی بسیار زیادی در دنیای انسانهاست. آیا می توانید به همگی آن ها وابسته باشید؟ تنها راهی که کسی را نجات داد این است که در سطحی بنیادی نجاتش داد. (تشویق)

**پرسش:** بعضی ها می گویند که لازم نیست مریدان دافا پول پس انداز کنند.

**معلم:** دوباره زیاده روی است. (حضار می خندند) کاری که به نظر تان باید انجام دهید را انجام دهید. اگر می گویند که می خواهید پول پس انداز کرده و اموالی خریداری کنید، آن وقت در این حالت باید بروید انجامش دهید، چون مردم در آینده این طور تزکیه خواهند کرد. یا شاید بگویند که نمی خواهید دست به هیچ کاری بزنید و می خواهید همین جا منتظر بمانید، (حضار می خندند) خوب در این حالت به کمال نخواهید رسید. چه وابستگی قوی ای می شد! اما وقتی زمان کمال واقعاً می رسد، نمی توانستید آن چیزها را رها کنید، می توانستید؟ اگر می توانید رهاشان کنید پس مهم نیستند. فکر فرد در آن لحظه فکر یک خداست. پس چرا فکر این چیزها را کنید؟ خودتان را نگران هیچ چیز نکنید. درحقیقت، می توانم به شما بگویم که در آن لحظه ی آخر اصلاح دنیای بشری توسط فای، در یک آن همه چیز متلاشی خواهد شد. کدام پول؟ یک ورق کاغذ هم باقی نخواهد ماند. (تشویق بلند) اما این ارتباطی به شما ندارد.

**پرسش:** پس انداز پول و برنامه ریزی مالی برای تحصیلات آینده فرزندان چیزی نیست که باید خودمان را نگران کنیم چرا که قرار است در آینده به کمال برسیم و لازم نیست نگران این باشیم، (حضار می خندند) همچنین مریدان دافایی هستند که می گویند حتی نیاز نیست به والدین مان توجه کنیم، چون ممکن است دشمنان گذشته مان باشند. (حضار می خندند)

**معلم:** شبیه حرفی که یک مرید دافا بزند به نظر نمی رسد. وابستگی این قدر قوی شده است! آیا می دانید که به کمال رسیدن مریدان دافا چه چیز باشکوهی است؟ استاد باید از تمام چیزهای دور و اطراف تان مراقبت کند. آیا هیچ نیازی هست که نگران هیچ چیزی باشید؟ آیا توانایی مراقبت از آن چیزها را دارید؟ آیا امور طبق آرزوهای شما پیش می روند؟ آیا تا به حال این اصل را برای همگی تان توضیح نداده ام؟ اگر بخت و اقبال شان آن قدرها خوب نباشد، هر نوع برنامه ریزی ای هم که کنید کاملاً بی فایده است. اما استاد می تواند امور را برای تان نظم و ترتیب دهد. من می توانم نظم و ترتیب دهم، خواه اقبال خوبی داشته باشند یا نداشته باشند. نگران چه هستید؟ فقط باید تزکیه کنید و من برای شما از همه چیز مراقبت می کنم. آیا تا به حال این گفته نشده است؟ ولی اگر خوب تزکیه نکنید، آن وقت کاری نیست که بتوانم انجام بدهم. صحبت شما شبیه چیزی که یک مرید دافا بگوید به نظر نمی رسد، نظر من این است!



پرسش: شما صبح اشاره کردید که از هیچ چیز چیزی شدید، و اینکه در آینده هیچ کسی شما را نخواهد شناخت. می‌خواهم بدانم بعد از اینکه در آینده به کمال رسیدیم آیا هنوز چنین فرصت‌هایی خواهیم داشت که به آموزش فای شما گوش کنیم؟ اگر هنوز سؤال برایم پیش آید، آیا فرصت‌هایی خواهد بود که از شما بخواهیم برایمان به آنها جواب دهید؟ (حضار می‌خندند)

**معلم:** تا ابد که نمی‌شود تزکیه کنید. (حضار می‌خندند) هنوز در حال استفاده از تفکر انسانی برای فکر کردن به مسائل هستید. خدایان این‌طور در مورد مسائل فکر نمی‌کنند. وقتی موجودات ذی‌شعور بی‌شماری داشته باشید که از آنها مراقبت کنید ذهن‌تان خیلی مشغول خواهد بود. آن وقت احتمالاً این قدر زود به یاد استاد نخواهید افتاد! (معلم می‌خندد) شوخی می‌کنم. البته، شاید در آینده در مقیاس بزرگ‌تری فا را آموزش دهم، و شاید هم این کار را نکنم. این‌ها همه موضوعات آینده‌اند. درحقیقت وقتی فکر می‌کنید که می‌توانید در آینده استاد را ببینید یا نه، هنوز برای تفکر درباره‌ی مسائل از افکار بشری موجود استفاده می‌کنید. آن روز که بشود در وضعیت دیگری خواهید بود. اما وقتی واقعاً به من نیاز داشته باشید، آن جنبه‌ای که محبت وسیع و پهناور بودا است را خواهید دید. (تشویق بلند) به این خاطر که شما خاص هستید. شما مریدان دافای دوره‌ی اصلاح-فا هستید! (تشویق بلند) شما زمانی همراه اصلاح-فا وجود داشتید! (تشویق بلند)

باید قدر این فرصت تقدیری را بدانید. واقعاً دفعه‌ی دیگری نیست. در آینده، تصویر وحشتناک اصلاح-فا را که در گذشته‌ی تاریخ جای گرفته خواهید دید. عملکرد بعضی از مریدان دافا واقعاً ضعیف بوده است - یک لحظه کاملاً خوب عمل کرده‌اند و لحظه‌ی بعد نه. در واقع، حتی وقتی بدن‌های کیهانی بسیار عظیم، قدرت اصلاح-فا را از نزدیک دیدند واقعاً حیرت‌زده شدند. از ۲۰ ژوئیه‌ی ۱۹۹۹، امروز اولین باری است که در یک کنفرانس فا در چین مقیاس بزرگی و برای چنین مدت طولانی‌ای پرسش‌های مریدان دافا را جواب می‌دهم. (تشویق بلند)

از برگه‌های پرسشی که این‌بار فرستادید می‌توانم ببینم که خیلی با قبل فرق دارند. کلمات ممکن است شبیه باشند، ولی می‌توانم ببینم که چیزی که درون‌شان است فرق کرده است. از این گذشته، بزرگ‌ترین فرق این است که ذهنیت کنجکاوی و شیفتگی جای خود را به افکار درست داده است. شما معقول شده‌اید و دیگر به دنبال دانش در سطح و ظاهر پرسه نمی‌زنید. البته، وقتی درباره‌ی ساختار کیهان صحبت کردم همگی مجذوب شدید. ولی فقط شما نبودید - حتی خدایان هم به‌دقت گوش می‌کردند چراکه از آن حتی خبر هم نداشتند. (تشویق) بنابراین در مدت این شکنجه و آزار، با اینکه ضررهای زیادی دیده‌ایم و مریدان دافا بی‌جهت شکنجه شده‌اند، جداً می‌توانم بگویم که شما در مدت این شکنجه و آزار پخته شده‌اید، و الان خونسرد و معقول هستید. رفتار قدیمی یکی نبودن زبان و فکر، و بی‌توجهی به فا، دیگر رفته است. در مدت این شکنجه و آزار، هر کسی با جدیت روی اینکه چه مسیری را باید پیش بگیرد و چه باید بکند فکر کرده است. در واقع، نیروهای کهن نظم و ترتیب دادند که خیلی‌ها بیایند و نقش منفی ایفا کنند. بعضی از این افراد قبل از اینکه شکنجه و آزار شروع شود از آن دست کشیده بودند، و بعضی‌ها در مدت شکنجه و آزار این کار را کردند. زیرا سمتی از آن موجودات که آگاه است می‌داند. بنابراین، خیلی‌هایی که قرار بود نقش منفی داشته باشند از این کار دست کشیدند و حالا به شکلی درست و باوقار مشغول تزکیه هستند. زیرا من مطلقاً آنهایی را که نقش منفی دارند تصدیق نمی‌کنم. نیروهای کهن انتظار نداشتند که نظم و ترتیب‌هایشان - نظم و ترتیب‌هایی به آن پیچیدگی که در ظاهر برای من انجام شده بودند ولی در واقع برای خودشان انجام شده بود - و نیز هر کاری که کرده‌اند مانع واقعی اصلاح-فا شود، و این که خودشان موانع اهریمنی واقعی در اصلاح-فا شوند.

و از اهریمن‌ها که گفتم منظورم اهریمن‌های معمولی کیهان نبود. در اصل، "پادشاه اهریمن" کیهان تجلی جنبه‌ی دیگری از حیات‌هاست. آن هم نگهبان کیهان است، فقط اینکه از روش‌های پلید استفاده می‌کند. برای همین، منظورم آنها نبود. منظورم آن موجوداتی بودند که به اصلاح-فا صدمه می‌زنند - آنها آن اهریمنانی هستند که واقعاً به دافا صدمه می‌زنند. چیزهای خیلی زیادی تجربه کرده‌ایم. خیلی وقت‌ها کلمات نوک زبانم بودند ولی مجبور به خوردن حرفم شدم، زیرا آنها را مطرح که می‌کردم واقعاً خیلی چیزها بودند که مجبور می‌شدم بگویم. خیلی چیزها را تجربه کرده‌ایم، و شما همگی پخته شده‌اید. باید با سفر پیش روی‌تان باز هم عاقلانه‌تر روبرو شوید، و باید هر چیزی را که امروز مشغول انجام آن هستید باز هم عاقلانه‌تر انجام دهید. دیگر

اسیر احساسات نباشید، و دیگر در بند حس بسیار قوی "خود" و منیتان نباشید. همگی شما توانا و با استعداد هستید، استاد گفته است که قبولتان دارد، و دیگر نیازی نیست این چیزهای خود را به استاد نشان دهید. (تسویق)

ما چطور باید... درست مثل چیزی که آن شاگردی که برگه‌ی پرسش را داد مطرح کرد، ما چطور باید در همکاری و هماهنگی کردن با هم خوب کار کنیم - این همان چیزی است که اصلاح-فا بیشتر از هر چیزی دیگر از میدان دافا می‌خواهد. ما خودمان را درگیر شکل‌های ظاهری نمی‌کنیم. تا وقتی فا را خوب مطالعه کرده باشید می‌توانید انجامش دید. می‌دانید، آن قبلاًها، همه قبل از تمرین گروهی مشغول حرف‌زدن و انواع و اقسام کارها بودند، و واقعاً بی‌نظم به چشم می‌آمد. ولی تا آهنگ شروع می‌شد - یک‌باره همه کنار هم می‌ایستادند و صفی می‌بستند منظم‌تر از یک دسته سرباز. هیچ کسی مشغول تمرین دادن به شما نبود و هیچ کسی نبود که به شما بگوید چه کار کنید. بلکه از درون خودتان می‌آمد. این همکاری و هماهنگی است، و این هارمونی میدان دافا است. نباید فقط این را در این موضوعات خاص نشان دهید، باید این نوع همکاری را در تمام قسمت‌های اصلاح-فا نشان دهید.

البته، بعضی مسائل هم هستند که قصد ندارم آنها را این‌جا مطرح کنم. و نمی‌خواهم روی آنها تأکید کنم، چرا که کلماتی که از دهان من می‌آیند خیلی سنگین هستند. زیرا خیلی از مسائل چیزهایی هستند که لازم است شما با آنها روبرو شوید، و همین‌طور چیزهایی هستند که، همین‌طور که زمین می‌خورید و می‌افزاید، از شما می‌خواهند پخته شوید، کاری می‌کنند که حواس تان جمع شود و متوجه‌شان شوید تا بتوانید در راه پیش روی تان خوب قدم بردارید.

همین‌طور، فکر نکنید، "اصلاح-فا به اینجا رسیده است؛ دیگر به نظر می‌رسد که زود تمام می‌شود و باید شروع کنیم برای آینده برنامه‌ریزی کنیم". می‌توانم بگویم که هر وابستگی‌ای محنت‌های وحشتناک به بار می‌آورد. به هیچ صورت نباید هیچ وابستگی‌ای شکل دهید! باید به شکلی درست و باوقار تزکیه کنید، و هر چیز پیش روی تان را که باید انجام دهید خوب انجام دهید. اگر فردا باید به کمال برسید هنوز باید کارهایی را که امروز قرار است انجام دهید خوب و مرتب انجام دهید. زیرا هر چیزی که میدان دافا امروز انجام می‌دهند برای مردم آینده به جای می‌ماند، و این مسیر تزکیه‌ی مردم آینده است. بی‌اندازه مهم است. مسیری کج و نادرست نروید. دافا در هر سطحی بهترین است، و در این سطح انسان‌ها میدان دافا باید فقط آن را کامل‌تر و عالی‌تر کنند، و هیچ ضرری برایش به بار نیاورند.

همین قدر می‌خواهم بگویم. امیدوارم کارهایی را که قرار است، خوب انجام دهید. از سه کاری که برای اعتباربخشی به فا است یکی مطالعه‌ی خوب فا است، یکی روشن‌گری واقعیت‌هاست، و دیگری جدی گرفتن فرستادن افکار درست است. در کنار هم، این کارها همگی به فا اعتبار می‌بخشند و همگی موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهند، و همگی چیزی هستند که میدان دافا باید انجام دهند. به بیانی، کمال شما، آینده‌تان، و تمام تقوای عظیم‌تان از این‌ها بنا می‌شود. همکاری و کمک خود را بر پایه‌ی توانایی‌های فردی تان و مهارت‌های خاصی که در قسمت‌های مختلف دارید ارائه دهید. برای مثال، در روشن‌گری واقعیت‌ها، برخی از شما برنامه‌های تلویزیونی تهیه می‌کنید، و برخی روزنامه منتشر می‌کنید، روش‌های خیلی مختلفی استفاده می‌شود، و برخی مستقیماً در خیابان مطالب روشن‌گری واقعیت‌ها پخش می‌کنند، برخی به کنسول‌گری‌های چین می‌روند، و برخی مشغول کار با دولت هستند. حتی یکی از تمامی این روش‌های مختلف نیز نباید نادیده گرفته شود. می‌توانم به شما بگویم، این واقعیت که درحال حاضر دافا توانسته است از سد شکنجه‌ی شیطانی بگذرد و بگذارد بیشتر مردم دنیا درباره‌ی دافا بدانند از کارهایی که امروز انجام می‌دهید جدایی‌ناپذیر است. وضعیت کلی این زمان چیزی است که شما آن را بنیان گذاشته‌اید. (تسویق بلند) اگر امور را خوب انجام نداده‌اید باید قدر وقت را بدانید. نیازی نیست کسی تأییدتان کند، و نیازی نیست کارها را برای اینکه به کسی نشان دهید انجام دهید. وقتی بتوانید از روی وجدان تان عمل کنید استاد آن را می‌بیند. (تسویق)

به گمانم تا همین حالا هم خیلی صحبت کرده‌ام. بیشتر صحبت نمی‌کنم. کمی بی‌میلیم که بروم - با شما بودن جداً برایم خوشایند است. (تسویق طولانی‌مدت)